



کمونیست

زاده مهر

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

سال اول - شماره ۴

۳۰ دی ماه ۱۳۶۲

۵۰ ریال

مبارزات پراکنده کارگران را متحد و سراسری کنیم

های دیگرها همگ و متحد کرد؟
نگاهی به اعتراضات و
اعتصابات کارگری در چند سال اخیر
نشان میدهد که کارگران به شرایط
فلاکتنا راقتصادی و بی حقوقی
اجتماعی و حلقان سیاسی در جامعه
و به رژیم اسلامی سرمایه در ایران
نمکن نکرده اند. همه خواهد
بفشد در صفحه ۲۵

یکی از مغلطات جدی کارگران
کمونیست و مبارز و رهبران و فعالین
جنبش کارگری پاسخ گویی به این
سوال است که " چگونه می توان
مبارزات کارگران را اریراکندی
بیرون آورد؟ ". " چگونه میتوان
مبارزات کارگران هرکارخانه
را با مبارزات کارگران کارخانه -

سرمقاله

حزب کمونیست مدافع پیگیر دموکراسی انقلابی

یکی از نتایج اجتناب ناپذیر
۵ سال حاکمیت خونین جمهوری
اسلامی، تنزل (و یا به عبارت
دقیق تر سرخوردگی و پس رانده
شدن) توقعات و انتظارات
دمکراتیک بوده است. روزهای
پس از قیام هنوز در خاطره ها
زنده اند. یادآوری دوره ۲۲
بهمن ۵۷ تا ۲۸ مرداد ۵۸ و
مقایسه این دوره با اوضاع کنونی،
این سرنزولی راه روشنی
آشکار میکند.

پس از ۲۲ بهمن نوده مردم
زحمتکش صلح بودند و خود را
مشاء قدرت تلقی میکردند.
حاکمان جدید، یعنی دلالان
رسوایی که تمام تلاش خود را برای
جلوگیری از قیام بکار برده
بفشد در صفحه ۲

برداشت های انحرافی از سازماندهی کارگران در محل زیست و کار



در کردستان انقلابی...

در پیاره:

و ظالمانی همی آید آوران

در سهایی از مبارزه
کارگران فیات

صفحه ۸

اعلامیه

پایان دومین پنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱

حزب کمونیست ...

بودند، برای سد کردن جریان سریع رادیکالیزه شدن توده‌ها به تکاپو افتاده بودند. در آن دوره چند ماهه - دوره‌ای که سلاحها در دست محرومان ضامن دمکراسی ضمنی، خودبخودی، آرزوهای و موقتی بود که سراسر ایران را فراگرفته بود - مشروعیت شوراهای مردم کمابیش در اذهان توده‌ها مسجل بود، خواست اعمال اراده شورایی و مستقیم مردم همه جا را، از کارخانه‌ها و کارگاهها تا یادگانهها، ادارات دولتی و موسسات آموزشی فرا گرفته بود. تسلیح عمومی، امری که بدست خود توده‌ها و علیرغم همه مقاومت نظامی و سیاسی و تبلیغی کل فیراکمیونیستهای بورژوازی ایران عملی شده بود، چنان برحق و تردیدناپذیر می نمود که بورژوازی برای عملی کردن سیاست ارتجاعی خلع سلاح، ملت‌شانه ضرورت ^{حفظ} "خط" اسلحه‌های عمومی" و "خطرات تیراندازیهای تصادفی" را یادآوری می کرد. آرزوها سخن نه بر سر آزادی زندانان سیاسی، بلکه بر سر ویران کردن ساختمان زندانها بود. رتبه‌های ارتشی دیگر نه مایه فخر، که داغ سنگ درانظار عمومی بودند. هر چند نام و پرچم اسلام بر فرار سر هیات حاکمه و جرح جماعتی اوباش باند سپاهی بر بالای سر مردم شویشتی دائمی

در دل بیش از نیمی از جمعیت، زنان و اقلیت‌های مذهبی، برمی انگیخت، تحریر بیش از یکسال مبارزه خونین و آزادخواهانه، که به قیام منجر شده بود، هراندیشه عقب مانده میثی بر سراسری زن و مرد و تبعیضات مذهبی را تلویحا مستذل و بی اعتبار اعلام کرده بود. علمی بودن محاکمات، آزادی فعالیت سیاسی و لغو سانسور در رسانه‌های جمعی، فرضی همگانی بود. سخن نه بر سر وجود و یا عدم وجود ارگانهای قانونگذار توده‌ای، بلکه بر سر چگونگی شرکت و درجه قدرت کارگران در این ارگانها و نحوه اعمال کنترل کارگری بر تولید بود. دیپلماسی مخفی بطور غریزی در اذهان میلیونها کارگر و زحمتکش جرم محسوب میشد. توده مردم زحمتکش، به رهبری کارگران انقلابی صنعت نفت، عملا خطوط سیاست خارجی را اربالای سر بورژوازی تعیین کرده بودند. آمریکا، اسرائیل، آفریقای جنوبی و هر قدرت امپریالیستی و دیکتاتوری نظامی بورژوایی، بسی هیچ قطعنا مرسمی، محکوم اعلام شده بودند و نمایندگان جنبشهای دمکراتیک و کارگری، بسی هیچ دعوتنامه رسمی، درطنین شعارهای مردم به ایران انقلابی فرا خوانده شده بودند. در ذهن توده‌های وسیع بدبختی می نمود که جامعه پلیس

مخفی و شکنجه‌گر نمی خواهد، که انتخابات باید آرا دبا شد، که آزادی عقیده و بیان و اجتماعات و تشکل و نظارات حق سلب ناپذیر مردم است.

روشن است که هیچکس از این انتظارات و مفروضات دمکراتیک هرگز نبیند، و ماده "قانون" بدل نشد و حتی بندرت با نیایی رسا و صریح در شعارهای توده میسر دم انعکاس یافت. ذهنیت علمی و به فعل درآمده انقلاب بسیا از قابلیت بالقوه، و تمایلات پوشیده آن که بیشتر در سلسله سرخوردگیهای روزمره توده زحمتکش به مسائل اجتماعی انعکاس می یابست، عقب مانده تر بود. اما برای هر کسی که این دوره چند ماهه را از نزدیک شاهد بوده باشد، وجود ضمنی این مطالبات رادیکال و انقلابی و حتی تحمیل عملی برخی از این خواسته‌های اعلام نشده به بورژوازی در نتیجه تناسب قوای میثی که میان انقلاب و ضدانقلاب برقرار شد، واقعیتی انکارناپذیر است.

قیام ۲۲ بهمن اوج رادیکالیزه شدن توده‌ها نبود. بالعکس، قیام آغاز جدی پروسه تعمیق انقلاب در راستای منافع مشخص پرولتاریا بود. علیرغم تشبیت روزافزون نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، چند ماه پس از قیام شاهد تعمیق و تدقیق مطالبات دمکراتیک از جانب کارگران و زحمتکشان بود. آزادبخواهی گنگ ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی، اکنون با شتاب

جای خود را به مطالبات عمیقاً دمکراتیک و انقلابی از جانب محرومترین و بی حقوق ترین اقشار جامعه میداد. مساله سرنوشت تسلیح عمومی و نقش و جایگاه کارگران در ساختار سیاسی جامعه و بویژه دامنه عمل و قدرت شوهرای کارگری به محور مبارزه انقلابی بر سر دمکراسی بدل شد. مبارزه بر سر تداوم انقلاب و رسنیت یافتن دستاوردهای دمکراتیک خود به خودی و ضمنی قیام بهمین پایه کلیه کشمکش هایی بود که میان انقلاب و ضدانقلاب تا مقطع ۲۸ مرداد ۵۸ در جریان بود. مبارزه ای که علیرغم همه توطئه ها، سرکوبگریها و عوامفریبی های بورژوازی حاکم و تحریفات، توهم پراکنی ها و شعارهای گنگ و تنگ نظرانه اپوزیسیون خرده بورژوازی و بیپولیستی، بارها ماهیت و جوهر عمیقاً دمکراتیک خود را آشکار میساخت. افق دمکراتیسم و توقعات دمکراتیک اقشار پیشرو توده ها در ماههای پس از قیام، تا حد مطالبه گنگ رهوس دمکراسی انقلابی مورد نظر طبقه کارگر بسط یافته بود.

اما امروز وضع به شکل دیگری است. امروز، هنگامی که قیام کنندگان پر شور بهمین ۵۷ پراکنده شده اند، عقب مانده ترین خرده بورژواها، لیبرالها و بیاجتناب مرتجعین از تخت افتاده، فرصت یافته اند تا دکانهای "دمکراتیک" خود را یکی پس از دیگری بر پا کنند. اگر توده مردم حوصله این

جماعت را ندارند، اگر اینها چون فردای ۲۲ بهمین نام و لقب واقعی و شایسته خود را از توده ها دریافت نمی کنند، این گشوه چیزی جز تنزل انتظارات عملی توده ها از آینده نیست.

از مقابل ویتترین خورده سیاستمداران "ترقیخواه" بورژوازی سرعت بگذریم، اینجا کسانی خود را آزادپخواه و مترقی مینامند که دمکراسی و دخالت مستقیم توده مردم در سرنوشتشان، در هر شکل و به هر درجه، کابوس مادام العمر آنهاست. کسانی که رگ و پی شان با آنتی کمونیسم بهم بافته است. انتقاد اینها به رژیم جمهوری اسلامی "مدرن" نبودن شکل استبداد، عربان بودن سیستم سرکوب و عقب مانده بودن توجیهات ایدئولوژیک حاکمیت ارتجاع بورژوا - امپریالیست تحت این رژیم است. تمام "ترقی خواهی" این جماعت در اینست که میخواهند بیکر عربان حاکمیت خونین بورژوازی در ایران با مدرنیسم غربی، یا حتی آریا مبری، ستر عورت شود، سوروکرات ها و دیپلماتهای "تبعیدی"، مانعان فراری صنایع و بنگاههای تجاری که قدرت تطبیق سریع با رژیم کنونی را نیافتند افراد و محافل متعددی از جنبه ملی و نهضت آزادی و نظیر آن، عناصر این طیف نسو ظهور "ترقی خواه" را تشکیل می دهند.

ایرا وجود مجدد اینها حاصل ۵ سال حاکمیت ارتجاع بورژوا -

امپریالیستی به زعامت جمهوری اسلامی است. تنها در این سکوت گورستانی است که محافظه کارترین نمایندگان سیاسی بورژوازی جرات یافته اند تا بار دیگر با نام "ترقی خواهی"، "انسان دوستی" و حتی "دمکراسی" به میدان بیابند و آینده ای را بعنوان راه رهایی به توده مردم ارائه کنند که آنسان خود در بهمین ۵۷ بعنوان گذشته ای عقب مانده و موهن بدور افکننده بودند.

اما سخ کنندگان دمکراسی به اینها محدود نمی شوند. به شعارها و مواعید "التریاتیو" های خوشنام تر بورژوازی دقت کنید. کد امیک از این شعارها و مطالبات و وعده ها در فردای ۲۲ بهمین محلی از اعراب داشت؟ کد امیک ممکن بود با چیزی بیشتر از لیسند تمسخر هر کارگرو زحمتکش "سیاسی" شده "روپروگرده" بعنوان نمونه مجاهدین را در نظر بگیرید. آنها از حق اعتصاب با اجازه دولت سخن میگویند، از "برابری" زن و مرد مطابق موازین اسلام، از "شرکت" نمایندگان کارگران در جریان تدوین قوانین کار توسط دولت، از حق "خودمختاری اقوام" در چهار رجب و دقیقه تمامیت ارضی کشور، از "آزادی انتخابات" برای مجلس دمکراتیک اسلامی، از نوزادهای مشورتی، از حفظ و بازسازی ارتش حرفه ای با آب توبه دمکراتیک اسلامی و اربقاء مذهب رسمی برای کشور سخن میگویند، و علاوه بر همه اینها دهها خواست دمکراتیک

توده مردم زحمتکش را نیز، با سکوتی که معنای جز استنکاف ندارد، منتفی اعلام میکنند. کدام کارگر، کدام زحمتکش، کدام فرد شریف و آزادیخواه از فردای ۲۲ بهمن چنین آینده‌ای را اهانت آمیز تلقی نمیکرد؟ و اگر امروز فریاد بیزاری سراسر کشور را فراموش کرد، این از صدقه سر جمهوری اسلامی است. این سرکوب خونین دموکراسی انقلابی در ایران است که میدان را مجدداً برای جست و خیز دمکرات‌ها به‌بوی روزها و خرد - بورژواها گشوده است. رونق لیبرالیسم و دیگر تحسیرفات بورژواشی و خرده‌بورژواشی دموکراسی مدیون عملکرد دیکتاتوری عربیان بورژوازی است.

حکومت مذهبی، حاکمیت موازین مذهبی بر سر زنان و اعتصاب با اجازه قبلی اردولت، این تمام آن "دموکراسی" است که به زعم مجاهدین مردم ما لیاقت آن را دارند. شعارهایی که در همان سیستم سرایا بورژواشی و پارلمانی کشوری که رهبران مجاهدین میهمان آنند و هر روز با آن سر و کار دارند، مدت‌هاست به عنوان سمبل عقب ماندگی و کولونیالیسم پدربالارانه اروپای صنعتی قرن نوزدهم به موزه تاریخ سپرده شده است. پس مانده بورژوازی یک قرن قبل را تحت نام دموکراسی به

کارگزار زحمتکش انقلابی انتهای قرن بیستم وعده دادن اوج عقب ماندگی و واپس گرایی است. تنزل توقعات دمکراتیک توده‌هایی شکامری موقت است که با تغییر شرایط سیاسی و تناسب قوای طبقات اصلی متخاصم در جامعه بورژواشی بسرعت تغییر میکند. این نتیجه اجتناب ناپذیر امکان گرایی خودبغودی و باصلاح "واقع بینی" روزمره‌ای است که در شرایط فشار و اختناق کنونی معدل افکار عمومی توده‌ها را تحت تاثیر قرار میدهد. این ابداع معنای تنزل دموکراسی و اتمام مورد نیاز توده زحمتکش و ساکاهش توان مبارزاتی آنان برای تحقق آزادی‌هایی بسیار فراتر از آنچه امروز محتمل می‌انگارند نیست. اما به این مسأله باز میگردیم. اما لازم است ابتدایه یک سوال اساسی بپردازیم: چرا توده‌های وسیع از سنگرهای دموکراسی انقلابی عقب نشستند؟ چرا هجوم و حشایشه جمهوری اسلامی نه به واژگونگی خود این رژیم، بلکه به برقراری اختناق سیاه کنونی منجر شد؟ انقلاب توان خود را از طبقات انقلابی میگیرد. افق انقلاب را آمادگی عملی و شفافیت و صراحت برنامه و شعارهای طبقه انقلابی ترسیم میکند. به این ترتیب، پایه‌ای ترین پاسخ به سوالات

فوق اینست: سیر قهرانی انقلاب ما نتیجه ناآمدگی سیاسی و تشکیلاتی تنها طبقه و افعال انقلابی عصر ما، یعنی طبقه کارگر، در ایران بود. ۲۲ بهمن و ماههای پس از آن این واقعیت را بنسبت رساند که جامعه برای هم و جذب دمکراسی انقلابی مورد نظر پرولتاریای انقلابی آماده است. نشان داد که جامعه، با بهترین کیفیت اکثریت به فروش آمده‌جا مع خود بی هیچ ترغیب و تشویقی به دستاوردهای عظیم کمون و اکتبر، یعنی دموکراسی مستقیم و شورای اشتیاق دارد. دوران پس از قیام نیاز زحمتکشان به دموکراسی انقلابی و آمادگی اکثریت عظیم جامعه را برای تحقق آن اثبات کرد. اما رهبر این تحول از نظر تاریخی کاملاً ممکن و مقدر، یعنی طبقه کارگر، به‌مثابه یک رهبر در صحنه حاضر نبود.

لیبرال چه‌جا خرده میگیرند که کارگران در فردای قیام هنوز به اندازه کافی "دمکرات نبودند". به جنبه‌های "دمکراتیک" به زنان، به اقلیت‌های مذهبی، به خلق‌های تحت‌تتم و غیره بی‌اعتنا بودند، فعالان با مبارزات این اقتضای برای حقوق دمکراتیک آسراز همبستگی نکردند و دست بسوی آنان دراز نمودند. اما این تنها یک ظاهر بینی است. ظاهر بینی ای

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

که مهربانانه پوشی لیبرالی از حقایق طبقاتی را بر خود دارد. اگر کارگران بعنوان رهبر، متحد کننده و فراخوان دهند کسلی نیروهای دمکراسی انقلابی در محنت ظاهر نشوند، علت این نبود که کارگران به اندازه کافی "دمکرات" نبودند، علت این بود که آنان به اندازه کافی سوسیالیست نشده بودند. زیرا تنها پرولتاریای کمونیست میتواند ضامن تسکین حرکت انقلابی میلیونها زحمتکش باشد، خواه حرکت دمکراتیک - انقلابی، خواه حرکت سوسیالیستی، دمکراتیک یا انقلابی و بیکیفر طبقه کارگران معکاس و قیوف او به اهداف و خط منتهی سوسیالیستی و مستقبل خود است. دمکراتیک یا انقلابی طبقه کارگران از استحکام پرولتاریا بر منافع مستقل و رهائی بخش نهایی اش و از خود آگاهی طبقاتی - اش ما به میگیرد، تنها آن طبقه کارگری که آموخته باشد که کوچکترین منافع در حفظ هیچیک از وجوه مناسبات بورژوازی و ارگان اقتصادی، روبنای سیاسی و معنویات خرافاتی و عقب مانده آن ندارد، تنها آن طبقه کارگری که برای رهائی کامل و سوسیالیستی کل جامعه به حرکت درآمده باشد، میتواند مثلث رهبر استوار مبارزه برای دمکراسی انقلابی ظاهر شود. فقدان صف مستقل طبقه کارگر،

تحت رهبری پرولتاریای کمونیست، عامل اصلی عقب گرد انقلاب از دستاوردهای دمکراتیکی بود که به کف آورده بود. یکی از نمودهای اصلی این امر این بود که شعارها و مطالبات دمکراتیک - انقلابی نیز با وضوح و شفافیت کافی در سطح جامعه مطرح نشد و علیرغم نیاز میلیونها زحمتکش، مطالبات دقیقاً درمولیندی شده ای که بتوانند در فردای قیام بعنوان خواستهای اردوی انقلاب و بیانیه پیروزی، اعلام و شنیت شود، برچم جنبش توده ای نقش نیست، آزادی یک تمایل گنگ با قسی ماند، تمایلی که، میلیونها انسانی که به قیام کشیده شده بودند، به تجرئی ترین شیوه و اساساً از راه سرکوب شدن آن در طول چند سال، به تدریج به وجود آن در خود بی بردند. اگر رهبران دروغین انقلاب، نما - بندگان اسلامی سرمایه در قدرت، تمام مساعی خود را بکار بردند تا همان مطالبات هنوز گنگ و ناپخته، اما بی شک آزاد دخواهان و انقلابی توده های قیام کننده را مسخ کنند و با رنگ و لعاب خرافه مذهبی به عکس خود بدل سازند، اردوی انقلاب نیز فرمانی برای به گری نشان دادن داشت. آزادی مطالبه میشد، اما آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی مطبوعات، بیان،

عقبه و تشکل، آزادی مذهب، که متضمن آزادی بی مذهبی وجدانی دین از دولت است، بصراحت و به یثوانه یک نیروی متشکل طبقاتی خواسته شد، رفع تبعیضات خواسته شد، اما انقلاب خود سه روشنی اعلام نکرد که شاخص آزادی هر جامعه، آزادی زن در آن جامعه است. رفاه مطالبه شد، اما یک قانون کار انقلابی که فوراً و بدون هیچ تبصره ای دایر بر "صنعتی شدن" و "افزایش تولید" رفاه زحمتکشان را از کیسه بورژوازی حی و حاضر ایران بیرون بکشد، در سطح جامعه مطرح و مطالبه نشد. انقلاب قربانی اسپام در اهداف خود شد و این گسواه ناآمادگی، ناروشنی و توهمات طبقه کارگر به منابه طبقه ای واقعا انقلابی که میبایست میسر آمده ای انقلابی برای توده مردم باشد، بود. دیروز جمهوری اسلامی اهداف انقلاب توده ها را مسخ کرد و با نام "انقلاب" به اسپام هر آن چیزی پرداخت که نامی از دمکراسی و آزادی بر خود داشت. امروز اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی عیناً پای در همین مسیر نهاده است. بلافی که بورژوازی، چه در قدرت و چه در اپوزیسیون بر سر میبایست آزادی و دمکراسی می آورد، ابتدا جای نگفتی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران

یک چنین حزبی در عین حال طبقه کارگر را بعنوان رهبر دمکراسی انقلابی نیز به میدان می کشد و پرورش میدهد.

فعالین ما باید بدانند که تحکیم حزب کمونیست در میان کارگران، توده ای کردن حزب و به میدان کشیدن پرولتاریای کمونیست بمعنا به یک نیروی قدرتمند اجتماعی، خود در عین حال پر ارزش ترین خدمت ماست. مردمکراسی انقلابی است، فعالین ما باید به این ترتیب لحظه ای از پیشبرد وظایف سوسیالیستی خود در جنبش کارگری باز نایستند. هیچ مساله "دمکراتیکی" نمی تواند و نباید حزب ما را از توجه جدی به سازماندهی سوسیالیستی و مستقل کارگران منحرف سازد. ما نباید اجازه دهیم امکان گرایی خود بخودی توده ها و یا توهم پراکنی رفرمیستها، لیبرال چپ ها و رویزیونیستها که امر عاجل دمکراسی را بهانه ای برای تبلیغ "تقدم جبهه بر حزب" و اعمال فشار بر کمونیستها برای کم رنگ کردن خصلت کمونیستی فعالیتشان، قرار میدهند، لحظه ای ما را از مسیر مستقل طبقاتی مان منحرف کند. زیرا دقیقاً همین در عین حال بدترین نوع عدول از مردمکراسی انقلابی نیز هست.

اما در عین حال کلیه فعالین و ارگانهای تشکیلاتی و تبلیغی ما باید به گسترده ترین و روشن ترین وجه حزب کمونیست ایران، حزب کارگران آگاه، را به عنوان

توده های مردم ایران به دفعات در طول قرن اخیر با زبجه دست نیروها و سیاستمداران بورژوازی قرار گرفته، مسخ شده و به عکس خود بدل گشته است. آینده می تواند و باید بنحودیگری باشد. بقوط انتظارات عملی توده ها از تحولات احتمالی در رژیم سیاسی، امری بسیار موقت و گذراست. نیاز زحمتکشان و ستمکشندگان به عمیق ترین تحولات دمکراتیک نیازی با سرجاست که با اعتلای جنبش توده ای سرعت در رادیکالیزه شدن خواستها و شعارهای مردم نمایان خواهد شد. اینبار باید کاری کرد که دمکرات نماها و آزادیخواهان دروغین، ناگزیر شوند تا توان انتخاب با کارانه خود به دمکراسی را با تسلیم به دمکراسی انقلابی بپذیرند. مقدمات این امر اکنون فراهم میشود. حزب کمونیست حزب پیشرو کارگران ایران بوجود آمده است، و این مهمترین عاملی است که پیروزی قطعی دمکراسی انقلابی را در اعتلای آتی جنبش انقلابی امکانپذیر میسازد. حزبی که میکوشد مستقل کارگران را حول منافع اساسی و طبقاتی شان سازمان دهد. حزبی که بی هیچ ابهام و توهمی پرچم استقلال طبقه کارگر را برافراشته است. حزبی که ماهیت سرکوبگر و ریاکار کلیه احزاب و نیروهای طبقه بورژوازی را، خواه در قدرت باشد و خواه در اپوزیسیون، میشناسد و بیگبیرانه به توده کارگران می شناساند.

نیست. ایدئولوژی بورژوازی، "علم" و ابرونه کردن حقایق مادی اجتماعی است. زیر اینسان ایدئولوژیک آن مناسبات اجتماعی است که خود وارونه است. مناسباتی که در آن رابطه میان کالاها، روابط انسانها را تعیین میکنند. مناسباتی که در آن تسولیسند اجتماعی به ثروت فردی بدل میشود. مناسباتی که در آن تولید کنندگان ثروت جامعه بی چیزند و بیکاران ثروت مند، بدست ترین و فروما به ترین عناصر رنجنا و عالیجنابان این جامعه اند و شریف ترین مردم، توده زحمتکشان، بی سر و پا خوانده می شوند. منافع خصوصی منتهی سرمایه دار انگل، در زبان حقوق و فلسفه و هنر بورژوازی، منافع و آرمانهای ازلی وابدی نوع بشر قلمسداد میشود. ایده ها و افکار ریاکارانه و کاسبارانه طبقه حاکم را "اخلاق" و "معنویت" و قیود و زنجیرهای بردگی سردست و پوی زحمتکشان را قرارداد اجتماعی، یا قانون، نام میگذازند. آزادی خواهی این طبقه نیز بطور قطع وارونه است و جز این نمیتواند باشد. پس برای کسب آزادی نباید امید به هیچ بورژوازی "متعهد، خوش قول و خوشنامی" بست، بلکه باید با واژگونی بورژوازی، نظام اجتماعی وارونه موجود را دگرگون کرد. جهان را باید از قاعده اش بر سر زمین گذاشت و اینکار، کار پرولتاریای انقلابی است. منازات و خواستهای دمکراتیک

بیکمترین وقایع ترین مدافع ورهبردمکراسی انقلابی به توده های وسیع مردم بشناسند. ما باید تمام محرومان، تمام ستمگشان و تمام کسانی را که خواهان آزادی و دمکراسی اند مخاطب قرار دهیم. به آنان بگوئیم که برای تحقق دمکراسی انقلابی باید حول پرچم حزب کمونیست ایران گرد آیید. بگوئیم اگر میخواهید تشریفه و اختناق سیاه مذهبی خاتمه یابد. اگر میخواهید که مذهب به معنی واقعی کلمه امری خصوصی اعلام گردد. اگر میخواهید در اعتقادات خویش مختار و آزاد باشید. دینی داشته باشید یا نداشته باشید و هر روز شاهد این نباشید که هزاران تن درخت این پسا آن مذهب و شریعت را با خون به ناحق ریخته خود "آسیاری" کنند. به حزب کمونیست ایران روی آورید. بگوئیم این حزب ماست که پرچم رهایی واقعی زن را برافراشته است و بی هیچ تزلزلی علیه سنت و قانون و هر دگم و خرافه ای که ستمگشی زن را در خدمت سرمایه و استعمار سرمایه داری ابقا می کند به مبارزه برخاسته است. بگوئیم که این حزب ماست که خواهان رفع هرگونه ستم ملی است و هر دستی را که برای سرکسوب خلقهای تحت ستم بلند شود خواهد شکست. بگوئیم این حزب کمونیست است که مدافع راستین آزادی عقیده، قلم، بیان، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب و تشکل است. آزادیهایی که با قدرت تسلیح

عمومی خود مردم، با انکاء به اراده مستقیم خود آنان در شوراهای و لغوارتن حرفه ای و بوروکراسی ممتاز ضمانت خواهد شد. بگوئیم که همه مردم شریفی که از محاکمات مخفی، از محکیمات اوباش و جلادان و شکنجه گران، از زندانهای سیاسی به تنگ آمده اند. همه کسانی که خواهان رفع دخالتهای پلیسی در زندگی خصوصی مردم اند. همه کسانی که تا من اجتماعی و اقتصادی و زندگی شرافتمندانه خالی از ستم و سرکوب راحق انسانها میدانند، با ید به صف ما میان حزب کمونیست ایران بیبوندند. ما باید حزب مستقل و کمونیست کارگران را بعنوان پیشناز مبارزه برای دمکراسی انقلابی به توده های وسیع مردم بشناسانیم. این امر مستلزم آن است که هر شاخه لیبرالی، رفرمیستی و تنگ نظرانه از شعارها و مطالبات دمکراتیک مردم زدوده شود. ما باید تضمین کنیم که انقلاب این بار به زبان خود سخن گوید و با صراحت و شفافیت سببند فرمان پیروزی خود را از امروز در شعارها، خواستها و اقدامات روشن و غیر قابل تفسیر تعریف و اعلام نماید. ما باید کاری کنیم که وسیعترین توده های مردم زحمتکش، حقارت و تنگ نظری شعارها و مواعیده اصطلاح دمکراتیک اپوزیسیون بورژوازی و خرده بورژوازی را از هم اکنون دریا بند، بطور قطع از آنان جدا شوند و تحولات انقلابی مورد نظر خود را در تضاد و تمایز

با شعارهای نیمبند این جریانات به صریح ترین شیوه بیان کنند. بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران یکجکیده این خواستها و اقدامات دمکراسی انقلابی است. این بخش برنامه باید همگام و همزمان با بخش حداکثر برنامه ما به میان مردم برده شود. هر بند و ماده آن باید به شعاری توده ای و شاختی عامه فهم برای تشخیص دمکراتیسم از لفاظی های بورژوازی تبدیل گردد.

ما باید این شعارها و مطالبات را بر پرچم انقلاب حک کنیم. ونه فقط این، بلکه باید با رها و بارها تکرار و تاکید کنیم که کارگران انقلابی، تحت رهبری حزب کمونیست ایران فوراً و بلا درنگ حتی اگر یک روز هم در اس قدرت قرار گیرند تک تک این مواد را بعنوان رئیس قانون اساسی انقلابی کشور، بعنوان فرمان پیروزی انقلاب، اعلام خواهند نمود و نیروی توده های مسلح و متشکل در شوراها را ضمن اجرائی آن قرار خواهند داد.

منصور حکمت



برنامه
حزب کمونیست ایران
را بخوانید

در سهایی از مبارزه کارگران فیات

دراواشل آذربایجان امسال در کارخانه خودروسازان "فیات" مبارزه‌ای سرسرا انتخاب نماینده برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارخانه صورت گرفت که حاوی نکات و آموزشهای مهمی برای کارگران بشیر و کمونست است.

کارخانه خودروسازان "فیات" یک کارخانه دولتی است با بیش از ۱۵۰۰ نفر پرسنل که در جاده مخصوص کرج واقع شده است. در این کارخانه مبنی بوسه‌های فیات مونتاژ میشود. کارگران این واحد عمدتاً جوانند و سابقه کار زیادی ندارند. اما در گذشته حرکت‌های اعتراضی متعددی در آن صورت گرفته است که از جمله میتوان به اعتراض دسته جمعی، به پیش نویس قانون کار (از طریق مجمع آوری طوماری با امضا "۸۵۰ امضا" علیه قانون کار اسلامی) و یک اعتصاب نصف روزه برای تعطیلات تابستانی امسال اشاره کرد.

موضوع طرح طبقه‌بندی مشاغل از مدت‌ها قبل در کارخانه مطرح شده و توسط کارگران با حساسیت دنبال میشد. واسطه آن بخش - نامه‌ای با امضای شورای (اسلامی) کارخانه اعلام نمود که طبق ابلاغیه وزارت کار برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل باید هیأتی

مرکب از دو نفر نماینده کارفرما، دو نفر نماینده کارگران و نماینده کان وزارت کار تشکیل شود. در این بخش نامه کارگران شورای انتخاب نماینده به مجمع عمومی فراخوانده شده بودند. این بخش - نامه جنبه جوشی در میان کارگران سرر تعیین کننده‌ها بوجود آورد. اما دو روز بعد بخش نامه‌ها از در و دیوار ناپدید شد و شایع گشت که شورای اسلامی دو نفر را از میان خود انتخاب و به وزارت کار معرفی نموده و کار تمام شده است! این اقدام شورای اسلامی که مورد انزجار بخش وسیعی از کارگران است، با اعتراض عمومی کارگران مواجه شد. با وجود تلاش شورا در مسکوت گذاشتن مسأله مجمع عمومی و انتخاب نماینده، در روز موعود بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران در محل برگزاری مجمع عمومی جمع شدند. دبیر شورای اسلامی اظهار کرد که شورا دو نفر را رسماً به نمایندگی تعیین کرده است و در مقابل اعتراض شدید حاضران عقب نشست. قرار شد یک هفته بعد مجمع عمومی با هدف انتخاب نمایندگان کارگران تشکیل شود. شورای اسلامی این امر را بخشنامه اعلام کند و کارکنان را از چند روز قبل معرفی شوند. اما کارشناسی شورای اسلامی اقدام به

مجمع عمومی بخشنامه نشد و مجمع عمومی بعد به تعویق افتاد. پرسشنامه‌هایی از طرف وزارت کار در میان کارگران پخش شد. و بالاخره بخشنامه‌ای از طرف حضرت انجمن اسلامی با این مضمون منتشر شد: "در پی مجمع قبلی بیست و یک نفر برای نمایندگی کاندید شده‌اند. انجمن اسلامی ضمن احترام به همه برادران از بین آنها دوازده نفر را واجد شرایط (!) میدانند و بعنوان کاندید معرفی میکنند تا کلیه برادران از میان آنها دو نفر را انتخاب کنند." تکلیف ۱۲ نفر "واجد شرایط" روشن بود. آنها اکثر از سرپرستان و معاونین و "حاج" کارخانه بودند. در بخشنامه دیگری به امضا شورا روز و ساعت مجمع عمومی بعدی تعیین شده بود. اینکبه انجمن اسلامی به خود حق داده بود که رسماً کاندیدهای را حذف کند موجب ابراز انزجار شدید کارگران شد. در مجمع عمومی ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر حاضر شدند. از همان ابتدا حذف کاندیدها مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت. اما دبیر شورا موقتاً اوضاع را آرام نمود. قرار شد برای انجام انتخابات یک نفر رئیس، یک منشی و سه ناظر انتخاب شوند. یکی از اعضای هیأت نظارت اعلام

اخراج تنها در صلاحیت

مجمع عمومی کارگران است

نموده که این انتخابات را غیر قانونی و ضدکامرگری میدانند. دبیر شورای اسلامی درمقاسل او را اخلاکگروها و انقلاب خواند و جلسه با این سخنان منسوخ شد. متعاقباً اکثریت جمعیت حاضر در مجمع عمومی بعنوان اعتراض ضمن اینکه یکمداشعرا میدادند از جلسه خارج شدند و پس از راهپیمایی کوتاهی در محوطه، در پشت سانس مجمع عمومی مستقل خود را تشکیل دادند. عده کمی پراکنده شدند. در مجموع حدود ۳۰۰ نفر در درون سانس و ۶۰۰ نفر در مجمع عمومی واقعی کارگران در خارج سانس اجتماع کرده بودند. دبیر شورای داخل سانس به فحاشی علیه کارگران معترض پرداخت و آنان را صدا نقلایی خواند. این سخنان با بلندگو در بیرون پخش میشد و به چشم جمعیت در خارج سانس می افزود. در مجمع خارج سانس چند کارگر سخنرانی کردند. سخنان آنان اساساً بر این محور دور میزد که این انتخابات غیرقانونی است، هرکس میتواند تکاندید شود و این تنها کارگران کارخانه هستند که حق انتخاب یا حذف کسی را دارند. در این سخنرانیها تأکید میشد که کارگران باید متحدانه از هرگونه اخراج و دستگیری کارگران پیشرو مناعت کنند و همبستگی خود را حفظ نمایند.

در تمام این مدت بسیج کارخانه از قلمه‌های دور سلاحهای خود را بسمت جمعیت گرفته بودند و حالت آماده باش داشتند و اما حسد رات

داخلت در ساله رانداشتند. در داخل سانس شورای اسلامی بالاخره "انتخابات" خود را با همان اقلیتی که در سانس مانده بودند، انجام داد و افرادی را به اصطلاح به نمایندگی کارگران انتخاب کرد. اما در خارج، توده کارگران تصمیم به جمع آوری امضا در محکوم کردن این انتخابات نمودند. طوماری تهیه شد و چند تن از کارگران آن را به وزارت اسلامی کار بردند. انحلال انتخابات شورای اسلامی خود بخود محرز بود و وزارت کار چاره‌ای جز تسلیم به این خواست کارگران نداشت. وزارت کار انتخابات را باطل اعلام نمود و موضوع انتخاب نمایندگان برای طرح طبقه بندی مشاغل را به تشکیل "شورای اسلامی جدید کارخانه" موکول کرد. اکنون مساله طرح طبقه بندی مشاغل فعلاً مسکوت مانده است و عوامل رژیم در کارخانه کارگران پیشرو را تحت نظر گرفته اند (هر چند جرات دست درازی به آنان را نیافتند). اما انحلال انتخابات ضد دمکراتیک شورای اسلامی، و حرکت متحد کارگران در کارخانه خودروسازان "فیات" تا همینجا یک پیروزی برای کارگران و مشت محکمی بر دهان انجمن اسلامی و شورای فدکامرگری کارخانه محسوب میشود.

این مبارزه نقاط قدرت و وضعی داشت که باید بطور جدی از آن درس گرفت.

این مبارزات نشان داد که:

۱- مجمع عمومی کارگران یک ارگان بسیار مناسب برای ایجاد اشکال مقدماتی و در عین حال قابل اتکایی از وحدت توده کارگران است. مجمع عمومی کارگران عرصه‌ای است که در آن توده کارگران بسرعت با هم صحنه میگذارند. این امکان را میبایند تا منافع واقعی خود را بر سر مسائل مشخص دریا بند و سریعاً اتحاد میان خود را بر سر خواست‌ها و اهدافشان محکم کنند. مجمع عمومی مکانی است که در آن کارگران پیشرو و کمونیست، اگر سنجیده و حساب شده عمل کنند، بخوبی قادر خواهند شد توده وسیع کارگران را به سیاستهای خود جلب کنند و نقش پیشروی خود را با آنکه به توده فعال کارگران ایفای نمایند. مبارزه کارگران فیات گوشه‌ای از قدرت واقعی مجمع عمومی را، علیرغم همه سازمان نیافتگی آن، به نمایش گذاشت.

۲- تشکیل مجمع عمومی حتی در این شرایط اختناق سیاه کاملاً عملی است. این تنها نمونه تشکیل مجامع عمومی در کارخانه‌ها در شرایط کنونی نیست. بروشنی می بینیم که حتی رژیم نیز خود بر سر مسائل معینی با گریز زمینه را برای تشکیل مجمع عمومی کارگران فراهم میسازد. هر اعتراض، هر نظر خواهی کارگری و هر موضوعی که مورد توجه توده کارگران قرار گرفته باشد میتواند در آن مایه‌های برای

فراخواندن مجمع عمومی و منظم کردن جلسات آن باشد. فرصت برای این کار بدفعات دست میدهد و کمیونیت‌های هوشیار در کارخانه‌ها بخوبی می‌توانند فعالیت خود را به مجمع عمومی کارخانه منکی کنند.

۲- امنیت کارگران پیشرو تنها بدرجه‌ای تا مین و تضمین میشود که توده کارگران را به صحنه فراخوانند و حمایت توده‌ای و مجتمع آنها را بسنج نمایند. در کارخانه قیبات همان درجه امنیت نسبی که در روزهای پس از این مبارزات برای کارگران انقلابی بوجود آمده است ناشی از دخالت فعال توده کارگران و اتعالم حجت مجمع عمومی بیرون سالن بادولست و کارفرمایان در مورد احتمال دستگیری و یا اخراج کارگزاران پیشرو بوده است.

اما نقاط ضعف این مبارزات درجه بود؟

۱- نخست و قبل از هر چیز کم بهادادن کارگران به اقدام کاری اجتماع خود، یعنی مجمع عمومی که در روز انتخابات بطور خود به خودی در بیرون سالن تشکیل شد. کارگرانی که اینچنین قدرت خود را در لحظه تجمع مشاهده می‌کنند باید به این تجمع خود تسد ارم بخشد. مجمع عمومی کارگران کارخانه باید منظم و با برنامه تشکیل شود. چرا رفاغی که طومار

را به وزارت کار دادند در بارگشت برای گزارش دهی همان تجمعی را که آنان را انتخاب کرده بسود فراخوان ندادند؟ چرا در بیرون سالن رفاغی پیشرو بطور جدی در سخنرانهای خود اعلام نکردند که "کارگران تجمع امروز ما اولین و آخرین تجمع ما نیست. پراکندگی ما دست دشمن را برای ضربه زدن به ما باز میکند. این مجمع باید از نظر کارگران رسمیت یا بدو جلسات آن منظم شود. باید دست تشکیل مجمع عمومی منظم به یک سنت محکم و پایدار در میان کارگران بدل شود!"

مبارزه برای تشکیل منظم مجمع عمومی، رسمیت بخشیدن به آن در میان کارگران، انتخاب هیات رئیسه (با هیات اجرایی) برای آن و تلاش برای تحمیل رای مجمع عمومی بعنوان خواست مستقل کارگران کارخانه، مبارزه‌ای است که با هر پیشروی مادر آن دولت و کارفرما بطور جدی در متنگه قرار خواهند گرفت و راه را برای ابراز وجود توده کارگران باز خواهند کرد. بدیهی است که تثبیت مجمع عمومی منظم امر سهل و ساده‌ای نیست اما قطعاً مبارزه‌ای است که دستاورد های گرانبهایی برای کارگران بیا خواهد آورد.

۲- مبارزه برای انتخاب آزادانه نمایندگان مبارزه‌ای بود که میبایست در خود به پیروزی رسد و پیروزی آن تثبیت شود. به شوه‌ای که گذشت این مبارزه

نا تمام ماند و در آخرین مرحله با یک سفسطه وزارت کار عقیم ماند. آنها انتخاب نماینده را با تجدید انتخاب شورای اسلامی گره زدند ما نباید این را می پذیرفتیم. ما باید اعلام میکردیم که کارگران در کارخانه حاضرند، می‌توانند آزادانه نمایندگان خود را انتخاب کنند و هیچ نیازی به انتخاب شورای اسلامی به این منظور نیست. وزارت کار عملاً با مسوکول کردن انتخاب نمایندگان به تجدید انتخاب شورای دو جهت علیه ما پیشروی کرده است. اول، مجدداً به شورای فرمایشی بعدی خود مشروعیت بخشیده است. شورایی که ما دیروز صلاحیتش را در نظارت بر انتخاب نماینده حتی نفس وجودش را به زیر سوال برده بودیم، مجدداً قرار است تشکیل شود و باز بر انتخاب نماینده نظارت کند. شورای اسلامی یک عامل دولت و سرمایه در کارخانه است. ما باید با حداکثر قوا در جهت قراردادن اراده مستقیم کارگران در برابر تصمیمات ضد دمکراتیک این شوراها تلاش کنیم. وزارت کار شورای خود را مجدداً به بیانه نیاز ما به نماینده، بر سر ما تحمیل خواهد کرد. ثانیاً، وزارت کار رسماً به انتخاب دو نماینده را به مساله انتخاب یک شورای اسلامی تمام و کمال گره زده است. در شرایطی که انتخاب آزادانه و دوماً نماینده با این توطئه‌ها و مقابله و مقاومت رزم مواجه است، و نیروی

بقیه در صفحه ۱۳

برداشت های انحرافی از سازماندهی کارگران در محفل زیست و کار

بیش از یکسال است که مارکسیسم انقلابی ایران نقد انقلابی خود را از شیوه ها و روش های عملی خرده بورژوازی در کار تشکیلاتی، علنا و رسماً طرح کرده است. یکسال گذشته و بویژه دوره پس از تشکیل حزب کمونیست ایران شاهد تلاش مداوم ما برای متحول کردن روشها و سلوهای فعالیت در تشکیلات و منطبق کردن آن بر اهداف و سیاستهای پرولتری مارکسیسم انقلابی بوده است. موفقیت مادر این تلاش بیش از هر چیز متضمن توضیح و تشریح و تفهیم اساس این نقد طبقاتی به فعالین حزب و رفع کلیه بدفهمی ها، سطحی گرائی ها و ناپیگیریها در کار زیست جدی این نقد در عرصه های مختلف فعالیت تشکیلاتی است.

نقد ما از سبک کار بورولینستی یک نقد فنی، مربوط به جنبه های اجرایی و تکنیکی فعالیت نبود و نیست و یا بهتر بگوئیم، جنبه های فنی و تکنیکی نقد ما از سبک کار خرده بورژوازی تنها گوشه ای از انتقاد سیاسی - ایدئولوژیک ما به این سبک کار است. تنها درک جوهر سیاسی و طبقاتی این نقد، نه با امکان مبدعیت در رفع نواقص فنی و اجرایی در کار تشکیلاتی نیز بنگیر و ناطع باشیم. اینگونه بدفهمیها و سطحی گرائیها هنوز هم اینجا و آنجا در کار ما به چشم میخورد. یک نمونه از این درک

ناقص، شیوه برخورد و تلقی برخی فعالین ما از مسأله "سازماندهی کارگران در محفل زیست و کار" است. اساس و چکیده ترهای ما درباره سبک کار کمونیستی این بود: سازمان کمونیستی ابزار سازماندهی انقلاب سوسیالیستی، یعنی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر است. این هدف اساسی باید بر کار هر روزه تشکیلات ناظر باشد و جهت آن را تعیین کند. بوجود آوردن یک پرولتاریای متشکل سوسیالیست که قادر باشد در رأس توده های کارگر و زحمتکشان تهیدست، قسدرت بورژوازی را درهم بکوبد، حکومت کارگری برقرار کند و بر برنامه کمونیستی خود را به اجرا درآورد، آن هدفی است که ما از کار سازمانی خود دنبال میکنیم و پیشروی خود را با آن می سنجیم.

تمامی مبارزات کمونیستی در رأس کارگران در عرصه های تاکتیکی گوناگون، در مبارزات دمکراتیک، اقتصادی و غیره، اولاً باید به این هدف اساسی خدمت کند. و ثانیاً خود بدرجه ای قریب موفقیت خواهد بود که کار سوسیالیستی ما در میان طبقه کارگریک پیشاپیش آگاه و متشکل و انقلابی در درون طبقه بوجود آورده باشد. بدسبی است که حسرتی که میخواهد طبقه کارگر را معنای یک طبقه در جهت اش اهداف متشکل کند و به مبارزه بکشد، باید به

طبقه کارگر بعنوان یک موجودیت اجتماعی بنگرد و همین موجودیت اجتماعی را سازمان دهد. حزب کمونیست نباید مانند سازمانهای بورولینست کارگران را بصورت افرادکنده شده از جامعه وارد سازمان خود کند، بلکه باید طبقه کارگر را در همان محیط زیست و کارش، یعنی بعنوان یک موجود اجتماعی، بر مبنای سیاست کمونیستی متشکل کند و به مبارزه بکشد. "سازماندهی کارگران در محیط زیست و کار" فشرده برخورد تشکیلاتی ما به توده های طبقه ماست که در جزوه "اصول و سبک کار حوزه های حری" اصول اولیه و پایه ای آن بیان شده است. این امر برای فعالین ما متضمن روی آوری جدی به طبقه کارگر، جای گرفتن در دل آنها و انجام فعالیت سیاسی و تشکیلاتی در محیط زیست و کار کارگران است. اما در عمل شاهد بوده ایم که برخی استنباطات نادرست از این امر فعالین ما را به کجراه میکشاند. این استنباطات نادرست کدامند؟ اول، کاهش دادن اهمیت مسأله روی آوری به کارگران و فعالیت در محفل زیست و کار آنها به یک مسأله امنیتی، این گویای سبک درک سطحی از نقد ما بر سبک کار بورولینستی است. ایس امر واقعیت دارد که هجوم پلیسی جمهوری اسلامی بویژه پس از ۳۰ خرداد،

به خلعت جدا از طبقه تشکل های پوپولیستی یک بعدا منبتی جدی بخشید. در چنین شرایطی سازمانهای پوپولیست نیز برای حفظ نیرو و ادامه کاری خود مسأله امنیت فعالین سازمانی و مبارزه با پلیس سیاسی را بر حسته دیدند. و بویژه برای مصون ماندن از خطر دستگیری پنهانی اتفاقی و خیابانی یافتن نوعی "هویت اجتماعی"، مذاقلا در شکل داشتن شغل، هویت علی و مسکن و غیره را در دستور فعالین خود قرار دادند. طبیعی است که این امر همه این سازمانها را تا حدود زیادی به "روی آوری سه توده ها"، برای حفظ امنیت سازمانی معطوف کرد.

بر چنین زمینه عمومی، برخی رفقای ما نیز فرخوان ما را مبنی بر روی آوری به طبقه کارگر و سازماندهی طبقه در محیط زیست و کارش، از زاویه ای عمدتا "امنیتی" درک میکنند و به آن توجه نمی نمایند. گویی روی آوری ما به محیط زیست و کار کارگران یک اقدام "تاکتیکی"، ناشی از فشار رنگه پلیس سیاسی است. گویی اگر این فشارها او حکمیری مبارزات توده ها کمتر شود ما نیز به همان راه و روش رایج در جنبش پوپولیستی رجعت خواهیم کرد. این درست است که فعالیت به شیوه کمونیستی در میان کارگران، ایجاد پیوند واقعی میان فعالین و حوزه های حرب با طبقه کارگر و سازماندهی کارگران در محیط زیست و کار، ضربه پذیری ما را در برابر پلیس و مزدوران رنگارنگ

جمهوری اسلامی کاهش میدهد. اما این جهت گیری ما از یک ملاحظه تاکتیکی و امنیتی ناشی نشده، بلکه نتیجه نقد عمیق ما به ماهیت و محتوای خرده بورژوازی روشهای فعالیت پوپولیستی است. رفقای ما با پیدا رها و بارها ترهای مصوب کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست درباره "تشرایبی در راه: ممانی تشکیلات و پراتیک کمونیستی و نقد سبک کار پوپولیستی" را بخوانند و بکشوند تا جوهر طبقاتی نقد ما را بخوبی بشناسند. ما میمانان مرحله ای و اتفاقی و تاکتیکی طبقه کارگر نیستیم. ما بنا بر ایدئولوژی و بر بنا به طبقاتی خود موظفیم که توده های طبقه خود را بحثا به یک طبقه اجتماعی که کار میکند، استئما ر میشود و جای معینی را در جامعه احراز می کند، آگاه کنیم و سازمان دهیم. حوزه های حزبی در محل زیست و کار کارگران سلولهای انقلاب اجتماعی و بیج و مهره های دیکتاتور پرولتاریا در فردای این انقلابند. بدون ایجاد این حوزه ها از بهترین پیشروترین و انقلابی ترین کارگران، بدون منکی کردن حزب کمونیست بر این حوزه ها هرگونه سخنی از انقلاب کمونیستی بی-معناست. این امر دامن حیاتی و مبرم ما است که بدون از هر ملاحظه تاکتیکی و مرحله ای بر اهمیت آن

تاکید میکنیم و با ایدفا طعانه آنرا به انجام رسانیم.

اما تلقی نادرست دوم، تلقی اکونومیستی است.

اکونومیستها، نظیر جریمان موسوم به خط ۵ هم کارگران را از مکان اجتماعی شان جدا نمیکنند. آنها هم کارگران را در محیط زیست و کار آنها سازمان می دهند. بنا بر این، این کاملا محتمل است که رفقای که برداشتی سطحی از نقد سبک کار پوپولیستی دارند، در تقابل با سبک کار پوپولیستی به اکونومیسم و شیوه های اکونومیستی در غلطند. مرز میان ما و اکونومیستها در روشهای کار در میان طبقه کارگر روشن است. ما حاملین سیاست و بر بنا به انقلابی کل طبقه کارگر، سیاست و بر بنا به کمونیستی هستیم. حوزه های مادر محل زیست و کار کارگران و زحمکشان موظفند کارگران را برای انقلاب سوسیالیستی آگاه و متشکل کنند، اندیشه کمونیسم و سازمان یابی حزبی را در میان آنان رواج دهند و پیوند حزب کمونیست با طبقه کارگر را مستحکم سازند. اما اکونومیستها در میان گرایشهای "خود بخودی" کارگران عمل می شوند و از آن تبعیت میکنند. حضور آنان در درون طبقه کارگر نه برای سازماندهی انقلابی طبقه، بلکه در خدمت بسیج کارگران برای

کارگران، به حزب کمونیست ایران پیوندید!

بقیه از صفحه ۱۵

درسهائی از

درباره هر پیشنهاد بطور جسدی رای گیری کنیم و درباره مسائل مهم مورد بحث قطعنامه های لازم را صادر کنیم. طبقه کارگری کسبه به حنگ بورژوازی متشکل میروند، طبقه کارگری که باید حکومت را تشکیل دهد، نمی تواند و نباید تا این درجه خود بخودی و بی شکل عمل کند. تثبیت این سنت ها و آموزشها استحکام سیاسی و عملی طبقه کارگر را بسیار بالا خواهد برد.

بهر رو آئینده مبارزه بر سر طرح طبقه بندی متاعل در کارخانه ها تا زمان انتشار این نشریه روشن نیست. کارگران پیشرو و کمونیست باید کوششند تا جامع بندی نقاط قدرت و ضعف این مبارزه، صفوف کارگران را برای پیشروی در مراحل بعدی فشرده تر کنند. ما در این میان سوئزه مجددا بر نقش مجمع عمومی کارخانه بعنوان مجرای دخالت مستقیم و فعال بوده کارگران، ارگان ابراز وجود قدرتمند آنها، ضامن امنیت و ادا به کاری کارگران پیشرو، مکان آموزش عمیق کارگران در امر مبارزه و ستون فقرات و محور شوراها و واقعی کارگری تا کید میکنیم، و توجه جدی همه رفتارها اهمیت تشکیل و منظم کردن مجمع عمومی در کارخانه ها جلب می نمائیم.

کارگران هنوز به اندازه کافی برای به نمر رساندن همین خواست محدود و متحد و متمرکز نیست، بدیهی است که تلاش در تحمیل نمایندگان واقعی بیشتری به دولت در هر انتخابات آتی با چه موانع بزرگتری روبرو خواهد بود. ما باید می کوشیدیم این مبارزات را تا تعیین دوما بنده بدون هیچ تداخلی با مساله انحلال شورا و با تجدید انتخاب آن، پیش ببریم. آنها خواست مشخص مبارزه مشخص ما را مخدوش کردند.

۳- و بالاخره باید به این اشاره کرد که ما نباید اجتماعات خود را بصورت بی شکل و خود بخودی برگزار کنیم، تصمیمات ما را بد تصمیماتی شفاف و غیر رسمی باشد. ما باید سنت صدور قطعنامه در اجتماعات کارگری (و سوئزه مجمع عمومی کارخانه). انتخاب هیئت رئیسه، رای گیری بر سر هر مساله و با بر موارسی کار متشکل دسته جمعی را در درون صفوف خود تثبیت کنیم. مجمع عمومی کارگران فیات در بیرون نالن نا حدود زیادی رنگ یک تجمع خود بخودی را بخود گرفت. تجمعات بعدی ما نباید چنین باشد. ما باید فوراً هیات رئیسه ای انتخاب کنیم. موضوعات مورد بحث را روشن نمائیم. درباره هر موضوع پیشنهادات را ثبت کنیم و به موافقین و مخالفین به نوبت اجازه صحبت بدهیم.

سیاستهای رفرمیستی و اصلاحات درجه را جوب جا مع بورژوازی موجود است. اکنون کمونیستها خود از فعالترین مبلغین تشکل گریزی و سیاست گریزی و لاجرم دست کشیدن از تشکل حزبی، در میان کارگرانند. مساله ما اکنون کمونیستها، چه در تبلیغ و ترویج چه در سازماندهی فاصله انقلاب و رفرم، فاصله کمونیسم و ترید یونیونیونیم است. حوزه های ما با فعالیت آگاهانه، هدفمند، پیشرو و سوسیالیستی - شان در درون طبقه متعاض می شوند. از این رو فعالین حزب کمونیست تنها با "سازماندهی کارگران در محیط زیست و کار" مشخص نمی شوند، بلکه "سازماندهی کارگران در محیط زیست و کار بر مبنای برنامه وسیله های انقلابی و کمونیستی حزب" هدف آنهاست. این هر دو تلقی انحرافی از یک ریشه واحد ما به میگردان عدم ترک عمیق از محتوای ایدئولوژیک و طبقاتی نقد ما از سبک کار یوپولیستی است. رفقای حزب باید محتوای طبقاتی این نقد را عمیقاً در یاد و قلوب خود نهادند. در هر مقطع مرز دقیق و روشنی میان سبک کار حزب کمونیست با تمام گرایشات بورژوازی و خرده - بورژوازی که بعضاً در این میان بعد و بنا بر ملاحظات مقطعی شباهاتی با کارما پیدا میکنند، ترسیم کنند و به روشنی برای کارگران پیشرو و فعالینی که به صفوف ما می پیوندند روشن نمایند.



در کردستان انقلابی...

گزارشی از مقاومت و اعتراضات زحمتکشان روستاهای کردستان در مقابل فشارها و زورگوشیهای جمهوری اسلامی

سیخ گیری اجباری و نگهبانی دادن اجباری دست به اعتراض و مبارزه زده اند. در برخی از روستاها زحمتکشان شکل تظاهرات و تحمن، در روستاهای دیگر با تجمع در مقابل مقرهای اطمینان

رژیم و در برخی موارد با رفتن به شهر و انجام تظاهرات در شهرها - لغت خود را با سیاستهای ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی

ایران نموده اند. مزدوران جمهوری اسلامی در مقابل عده ای از معترضین رازندانی نموده و سعی کرده اند که با ایجاد جو ترس و

این زحمتکشان مبارز را منکوب کنند ولی در هیچیک از موارد این سیاست با موفقیت روبرو نشده، در مقابل رژیم با تشدید اعتراضات و

مقاومت مردم روبرو شده و مجبور به آزاد کردن زندانها شده است. در مواردی نیروهای سرکوبگر

جمهوری اسلامی به شیوه عوامفریبی متوسل شده اند ولی این سیاست هم با شکست کامل مواجه شده است.

در این میان زحمتکشان روستاهای منطقه جنوب کردستان بویژه مقاومتهای چشمگیری را

علیه زورگوشیها و سیاستهای ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی سازمان داده اند و در مواردی نه تنها علیه سیخ گیری اجباری بطور سازمان یافته مبارزه کرده اند، بلکه رژیم را تحت فشار

گذاشته اند تا با یگانهایش را از روستاها بیرون ببرد. در روستاهای منطقه زاو رود و کلانتران در نزدیکی شهر سنندج

مقاومتیهای توده ای در مقابل رژیم شده است. هر روز حصر از اعتراض و مقاومت روستاهای جدیدی گوش می رسد.

در ماه اخیر مردم زحمتکشان روستاهای آویهنگ، هویه، آسی بی، نجه، سالیان، آلی - همدان، باینجو، بازی رواز و زنج، از توابع سنندج؛ روستاهای جور، ننه، دری، نسل، گوشخانی و

ننگاش در مسیر جاده مریوان - سنندج؛ روستاهای سیف بالا، سیف پایین و محمده از توابع مریوان؛ روستاهای زیراندول و خورخوره در گورک سفز؛ روستای انمیش و خراسانه از توابع بوکان؛

روستای مه کلاوه در مسیر جاده بانه - سردشت؛ روستای کیتکه و حلیقان در مسیر جاده مهاباد - سردشت؛ روستای دولکان در منطقه آلان سردشت؛ روستای سلوا از توابع سردشت؛ روستای شیلان - آباد از توابع مهاباد؛ روستاهای

سیدان و سردشت در شمال کردستان به شیوه های مختلف علیه زورگوشیها، فشارها و جنایات رژیم بویژه علیه سیاست ارتجاعی

در ماه اخیر روستاهای تحت اشغال کردستان انقلابی شاهد فشارها و تصیفات نیروهای مزدور جمهوری اسلامی و مقاومتها و اعتراضات زحمتکشان این روستاها بوده است.

در این مدت سراسر مهاباد بارانها و تیراندازیهای هدف نیروهای نظامی رژیم ۵ نفر از زحمتکشان روستائی جان باختند و ۹ نفر زخمی شده اند سرکوب - گران جمهوری اسلامی همچنان

حواسی را از خانه اش در شهر مهاباد بیرون کشیده و همانجا تیرباران کرده اند و دو جوان دیگر را از اتوبوس مسافربری در جاده مهاباد خارج کرده و به رگبار رسته اند.

جنایات و سرکوبیهای رژیم همچنان در کردستان ادامه دارد. سرکوبگران جمهوری اسلامی فشار خود را برای

سیخ گیری اجباری (که در کردستان آنرا تسلیم اجباری میگویند) از میان روستا کسان برای تمامین سرروی یا یگانهای خود برای

مقابلیه حملات و ضربات پیشمرگان شدت داده اند. ولی همین امر خود باعث ایجاد گیزی اعتراضات و

مقاومتها شده است. در این میان زحمتکشان روستاهای جنوب کردستان بویژه مقاومتهای چشمگیری را علیه زورگوشیها و سیاستهای ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی سازمان داده اند و در مواردی نه تنها علیه سیخ گیری اجباری بطور سازمان یافته مبارزه کرده اند، بلکه رژیم را تحت فشار گذاشته اند تا با یگانهایش را از روستاها بیرون ببرد.

مروری کوتاه بر عملیات نظامی پیشمرگان کومه له در یک ماه اخیر

بدنبال خلع سلاح و تصرف چند پایگاه رژیم متوسط پیشمرگان انقلابی کومه له و دستگیری عده ای از افراد بسیج محلی که در زمان دستگیری خود هر چه بیشتر با اهداف و برنامه های حزب گمینیت ایران آشنا شده و سپس آزاد گردیده اند، مقابله و متها و اعتراضات مردم زحمتکش شدت بیشتری یافته است. جمهوری اسلامی که بخصوص در این منطقه با شکست طرح ارتجاعی خود که تا مین نیروی پایگاه هایش بوسیله مردم منطقه میباید مواجه شده با ذیت و آزار مردم شدت داده و حتی بعضی از افراد بسیج اجباری را که بوسیله کومه له بازداشت و سپس آزاد شده اند دستگیر نموده است. و همچنین خود به خلع سلاح تعدادی از آنان مبادرت ورزیده است.

در همین ماه گزارشی از مبارزات دانش آموزی در شهر سنندج نیز بدستمان رسیده است، مبنی بر اینکه مسئولین مدرسه راهنمایی "نامدار مرادی" ۲۲ دانش آموز را به اتهام "عامل ضد انقلاب" از مدرسه اخراج میکنند، این دانش آموزان مبارزها پشتیبانی و حمایت خانواده هایشان همگی دست به تعصن میزنند و دانش آموزان دیگر را هم به پیوستن به مبارزه شان دعوت میکنند و پس از ۳ روز مسئولین مزدور راناکزیر میکنند که در حکم خود تجدید نظر کنند. این مبارزات هنوز ادامه دارد.



رفقای ما در این ماه نیز فعالیتهای چشمگیری در عرصه نظامی داشته اند. پیشمرگان انقلابی سازمان کردستان حزب گمینیت ایران (کومه له) مجموعاً در ۴۶ عملیات تفری و دفاعی علیه نیروهای نظامی جمهوری اسلامی شرکت کردند، که از میان آنها ۲۵ عملیات، از نوع عملیات کمین گذاری، کنترل جاده ها، حمله به مقرها و پایگاه های رژیم و ورود به چند شهر و انجام عملیات در داخل شهر بوده است و ۱۱ عملیات، عملیات تدافعی و تعرض متقابل به نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی است. دامنه وسعت این عملیات از جنوب سنندج و از شمال تا نزدیکی جاده بین المللی ارومیه - سلماس را در بر میگیرد.

طی این ماه پیشمرگان جسور و انقلابی کومه له دو پایگاه و یک مقر مزدوران جمهوری اسلامی را خلع سلاح کرده و به تصرف خود درآوردند، یکی از آنها مقر جمهوری اسلامی در سروآباد واقع در مسیر جاده سنندج - مریوان است که مرکز پایگاه عملیاتی قرارگاه حمزه و ستاد عملیاتی والفجر ۴ در آن قرار دارد و در جنگ ایران و عراق در جبهه مریوان مرکز مهم نظامی رژیم محسوب میشده است. بطوریکه رژیم حتی فرودگاه های در آن تاسیس کرده است. در طول این عملیات کلیه افراد حاضر در مقر

بهاکت رسیدند و با اسیر شدند و کلیه سلاحها و مهمات آن بسدست پیشمرگان کومه له افتاد. در این عملیات ۱۲ نفر از نیروهای رژیم به اسارت درآمدند. دو پایگاه دیگری در طول عملیات دفاع و تعرض حماسی پیشمرگان در مقابل یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به روستاهای منطقه بناری سورکیو، بانه، به تصرف درآمد و دستگیری پایگاه استوک است که در عملیات دفاعی پیشمرگان در مقابل یورش رژیم به روستاهای شالگه و هنداه در مسیر جاده مهاباد - سردشت خلع سلاح شد و به تصرف درآمد.

این هردو عملیات، عملیاتی وسیع و گسترده بود که اولی ۱۶ ساعت و دومی ۷ ساعت ادامه داشت. در هر دو نبرد، جنگ در چند جبهه جریان داشت. در عملیات دوم نیروهای اشغالگر رژیم جبهه های بطول ۵ کیلومتر باز کرده بودند. ولی هردو یورش رژیم در مقابل دفاع حماسی و تعرضات جسورانه پیشمرگان با شکست کامل مواجه شد و مزدوران جمهوری اسلامی مجبور به عقب نشینی شدند. مردم روستاهای منطقه در این نبرد فعالانه چه در پشت جبهه و در مرکز رسانی به پیشمرگان و چه در خود جبهه شرکت داشتند. رژیم پس از شکست مفتضحانه ای که از پیشمرگان و مردم انقلابی بناری سورکیو خورده بود، یورش دیگری را ۷ روز

بعد بمنظور اشغال این منطقه سازمان داد. این بار رژیم ۲۵۰ خودرو نظامی را وارد عملیات نمود و سربدستی بمدت ۱۱ ساعت بین رفقای ما و مزدوران جمهوری اسلامی جریان یافت. رفقای ما ۴ تنها جرم رژیم را درهم شکستند و رژیم را وادار به عقب نشینی کردند. ولی اشغالگران جمهوری اسلامی زیرتوپ باران شدید روزه بعد در بعضی نقاط این منطقه مستقر گردیدند.

در طول این مدت چند یورش دیگر رژیم در شمال کردستان، در مناطق اطراف بوکان و اطراف مهاباد طی نبردهای سخت و طولانی سوسیه پیشمرگان درهم شکسته شد. در این مدت منطقه سرسور (شامل سردشت، سانه و پیرانشهر) شاهد یورشهای وسیع رژیم و سربدهای سختی میان پیشمرگان کومه له و اشغالگران جمهوری اسلامی بود.

رفقای ما در ماه اخیر عملیات در شهر سنندج، که اکنون بیشتر به یک دو نظامی شباهت دارد، انجام دادند. چند دسته از پیشمرگان "گردان شوان" دوبار در روز روشن وارد شهر شدند. با راول به یکی از مراکز تبلیغاتی و جاسوسی رژیم حمله کردند که مسئول این مرکز در این عملیات کشته شد و با ردیگر سه پاسدار را در یکی از خیابانهای مرکزی شهر به هلاکت رساندند. جمهوری اسلامی پس از این دو عملیات پی در پی نیروی زیادی را وارد شهر سنندج

کرد و بمدت ۲ روز حکومت نظامی در شهر اعلام نمود.

پیشمرگان "گردان سردشت" نیز در تاریخ ۱۷ دی شبانگاه از چندین پایگاه و مقر نظامی دشمن عبور کرده و وارد شهر سردشت شدند که علت مرزی بودن شهر و موقعیت استراتژیک آن بیکی از مراکز اصلی و مهم نظامی رژیم در کردستان بدل شده است. رفقای ما مدت ۴ ساعت در شهر ماندند، تعدادی از مزدوران رژیم را با زداشت کردند و به پادگان شهر و چند محل نظامی رژیم در شهر حمله کردند. در این عملیات دهها نفر کشته و زخمی شدند و ۵ نفر توسط پیشمرگان با زداشت شده که از شهر خارج گردیدند. در تمام طول عملیات از بلندگوی مسجد شهر سرودشمارهای انقلابی پخش میشد و یکی از رفقای پیشمرگ زن ما برای مردم سخنرانی میکرد. مردم شهر از این عملیات استقبال کرده و به کمک پیشمرگان آمدند.

رفقای ما علاوه یکبار به شهرک ربط رفتند و ۲ پاسدار را با زداشت کردند. ۲ انبار تدارکاتی رژیم، یکی در روستای بیروزه در منطقه آلان سردشت و دیگری انبار مرکزی تا مین خوار را با پایگاههای رژیم در منطقه مریوان را مصادره کردند. در طول این مدت پیشمرگان کومه له تلفات زیادی بالغ بر ۵۰۰ کشته و زخمی بر جمهوری اسلامی وارد کردند، ۸۳ نفر از نیروهای نظامی رژیم را به اسارت خود گرفتند و غنائم بسیاری بدین شرح

بدست آوردند.

انواع سلاح سبک ۸۳ قبضه، سلاح نیمه سنگین همراه مهمات مربوطه (شامل تیربار قناسه، تفنگ قناسه و آر. پی. جی. ۷) ۱۱ قبضه، فشنگ ۱۱۶۷۰ عدد، نارنجک دستی و نارنجک سر ۳-۳۷ عدد، بی-سیم کوله پشتی ۳ دستگاه و مقادیری وسایل نظامی و تدارکاتی دیگر.

در طول این مدت سازمان کردستان حزب کمونیست ایران بدنیاال سیاست انقلابی خود در برخورد به اسرای جنگی، ۷۴ تن از افراد نظامی جمهوری اسلامی را پس از یک دوره کارآموزشی و تبلیغی و آشنان نمودن آنها با برنامه، اهداف و سیاستهای حزب کمونیست ایران و اهداف مبارزه حق طلبانه خلق کرد آزاد نمود. ۷ نفر از مزدوران به جرم جنایات خود علیه زحمتکشان کردستان در نواحی سردشت، سنندج و سقز به اعدام محکوم شدند.

متاسفانه حزب کمونیست ایران در طول این مدت طی نبردهای حماسی خود با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ۸ رفیق خود را از دست داد. ما در اینجا یکبار دیگر پیمان می بندیم که با تداوم مبارزه علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و برای استقرار حاکمیت زحمتکشان و سوسیالیسم راه این رفقا را ادامه دهیم و یادشان را گرامی بداریم. راهشان پیروز باد.

در کردستان انقلابی...



درباره: درگیریهای اخیر بین کومله و حزب دمکرات

مقدمه

در ماه گذشته حزب دمکرات کردستان یکبار دیگر درگیری مسلحانه ای را بدین سرگسگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومله) تحمیل کرد. این اولین بار نیست که حزب دمکرات کردستان بسد جنسین اعمالی مبتدات میوزد. هر چند که داده و مقیاس تلفات نیروی انسانی از هر دو طرف در این درگیری تقریباً به نسبت درگیریهای سابق بود و دهها نفر بر اثر سیاست جنگ افروزان و ضد دمکراتیک حزب دمکرات به خاک و خون غلطیدند...

شهادت واقعات انکارناپذیر، حزب دمکرات طی چند سال گذشته نه فقط بطور سیستماتیک به وارد آوردن مزاحمتها و فشارهای ضد دمکراتیک بر علیه زحمتکشان و کومله مشغول بوده، بلکه بارها نیز به اقدامات مسلحانه مستقیم متوسل شده و درگیریهای خونینی را آفریده است. ما در زیر اقیانوس و اساساً مربوط به درگیری اخیر را که در جنوب کردستان اتفاق افتاده برای روشن شدن اذهان کارگران و مردم ایران می آوریم. اما آنچه جای توجه است علت اصلی ایجاد این درگیریهای مسلحانه از جانب حزب

گفتگو با رفیق ابراهیم علیزاده

درباره: علل وقوع درگیریهای اخیر بین کومله و حزب دمکرات و موضع کومله در قبال آن

تعلق ما و حزب دمکرات به دو طبقه مختلف اجتماعی یعنی پرولتاریا و بورژوازی ناشی میشود. از اینرو وجود اختلاف در سیاستهای ما و حزب دمکرات همواره یک امر طبیعی و طبیعی است. این اختلافات ریشه های سیاسی - طبقاتی دارند و این سیاستها در مقاطع مختلف جنبش کاملاً از هم جدا گردیدند. قابل تفکیک نبوده اند. ما وجود این به شهادت تاریخ مستند ۴ بقیه در صفحه ۱۸

س - رفیق علیزاده، لطفاً چونکی وقوع درگیریهای اخیر بین حزب دمکرات و کومله و علل وقوع آنها توضیح دهید.
ج - تردیدی در این وجود ندارد که بین ما و حزب دمکرات یک اختلاف ایدئولوژیک پایهای و ریشه ای وجود دارد. که این اختلاف ایدئولوژیک ما را در درون جنبش خلق کرد نشان میدهد. ما در دو طبقه از هم جدا گردیدیم. این اختلاف از

نگاهی به مسیر رویدادها

درگیریهای اخیراً توسط حزب دمکرات علیه پیشمرگان کومله در روستای گلپه آغاز شد.
شرح ما وقع بطور خلاصه چنین است:
این واقعه در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۶۲ در روستای گلپه از توابع مزینان اتفاق افتاد در روز ۲۱ آذر ماه ۲ تن از پیشمرگان حزب کومله در گلپه ۲۱ بقیه در صفحه ۲۱

دخالت فعال زحمتکشان کردستان در دفاع از دمکراسی و همبستگی از گسترش درگیریها

در طول درگیریها، رفقای ما کوشیده اند تا بنا بر یک سیاست انقلابی در تماس مستقیم با زحمتکشان و سربازان طریقی گوناگون را بدوئی، زحمتکشان کردستان را با علل، ریشه های طبقاتی و عوامل این رویدادها آشنا کند، مردم روستاهای کردستان، سربازان زحمتکشان روستاهای جنوب بقیه در صفحه ۲۲

بقیه از صفحه ۱۷

گفتگو با

دمکرات است. هرچندکه این حزب هر زمان جنگ با نیروهای کومله را به بهانه‌ای آغاز کرده و با اینکه بعداً توجیهی برای آن تراشیده است، اما درحقیقت عدم تحمل دمکراسی، عدم تحمل بیداری و رشد سیاسی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش در کردستان و تلاش برای مرعوب کردن قهری آنها و عدم تحمل رشد سیاسی و تشکیلاتی و افزایش نفوذ پایگاه توده‌ای کمونیستها در کردستان عامل اصلی برای ایجاد این درگیریها از جانب حزب دمکرات کردستان بمثابه حزب بورژوازی ملت کرد در کردستان ایران بوده است. برعکس طبقه کارگر تباری به درگیری مسلحانه داخلی در کردستان ندارد و سازمان کردستان حزب مبارها اعلام کرده که مایل است بطرق سیاسی با حزب دمکرات برخورد کند و پیشمرگان کومله آغازگر درگیری نخواهند بود. در عین حال این حقیقت را بروشنی به طبقه کارگر و توده‌ها و به خود حزب دمکرات هم اعلام کرده است که در مقابل تعرضات نظامی حزب دمکرات دست روی دست نخواهد گذاشت و از حقوق خود و آزادی و منافع زحمتکشان باکمال قدرت دفاع خواهد کرد.

سال اخیر جنبش خلق کرد این ما نبوده ایم که اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک خودمان را با حزب دمکرات به رو در روشی نظامی و درگیری کشانده ایم.

در مورد درگیریهای اخیر در جنوب کردستان ما تمام حقیقت را به مردم گفته ایم و رویدادها را همانطوریکه بوده اند اعلام کرده ایم. حزب دمکرات برای آغاز درگیری و ضرب زدن به ما در آنجا آشکارا بهانه جوشی کرده است. ساعت ۶/۵ صبح روستائی را که مقرر پیشمرگان ما در آنجا قرار دارد، محاصره میکنند و مطالبه غیر-دمکراتیکی را مطرح می نمایند. آنها از پیشمرگان ما می خواهند که دو پیشمرگی را که روز قبل از آن از حزب دمکرات به ما ملحق شده بودند، به آنها تحویل دهیم. رفقای ما به آنها میگویند که تنها تحویل دادن سلاحهای آنها می تواند مطرح باشد و نه تحویل پیشمرگان. و ما بر طبق توافقات قبلی این سلاحها را به شما تحویل خواهیم داد. اما مسئولین حزب دمکرات در آنجا که خود را برای ایجاد درگیری آماده کرده بودند، توجیحی به این صحبت نمی کنند و دوش از رفقای ما را که با آنها مشغول گفتگو بودند به رگبار

می بندند و شهید میکنند. بدین ترتیب درگیری در حالیکه بلندبهای اطراف آبادی قبلا بوسیله آنها اشغال شده بود شروع میشود. روز بعد دو طرف در سطح ناحیه مریوان با یکدیگر وارد مذاکره میشوند و بر سر یک توافق نامه آتش بس با هم توافق می کنند و علاوه بر این می پذیرند که یک هیئت تحقیق هم تشکیل شود و مامور شود که جزئیات این واقعه را معلوم کند و به مردم و به هر دو تشکیلات اعلام کند. در این هیئت قرار بوده که نمایندگان حزب دمکرات، کومله و مردم خود آبادی گلپه که محل اتفاق این واقعه بود، شرکت داشته باشند. چند روز بعد از این واقعه، در حالیکه این توافق نامه آتش بس امضاء شده بود و مذاکراتی هم در سطح دو مرکزیت برای خاتمه دادن به این درگیریها شروع شده بود و دو طرف در بالا هم روی آتش بس و پایان درگیریها تاکید داشتند، با وجود تمام اینها پیشمرگان حزب دمکرات یک واحد از پیشمرگان جدید ما را که دوره آموزشی شان تمام شده بود و عازم ناحیه سنندج بودند در بسین دو روستای منطقه در کمین خود غافلگیر می کنند و به رگبار می بندند که به

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

جز ۳ رفیق ما بقیه همگی شهید میشوند.

ببینید، مساله روشن است، درگیری اول در روستای گلیه اتفاق افتاده است. شواهد انکارناپذیری وجود دارد که ثابت میکند که مطابق یک طرح از پیش تعیین شده در آنجا به نیروهای ما تعرض شده است. اما بهر حال بر سر آن رویداد توافق نامه و قرار آتش بس امضا شده و قرار بود در مورد چگونگی مساله تحقیق شود. اما حزب دمکرات چند روز بعد از درگیری اول، در جای دیگری برای بار دوم تعرض دیگری را انجام میدهد. آنهم در حالیکه خود متعهد به آتش بس و دامن نزدن به درگیرها بوده است. تنها بعد از این دو تعرض آشکار و نقض قرار دادها و توافقات از جانب حزب دمکرات بود که رفقای ما در منطقه جنوب دست به یک تعرض متقابل زدند و ضرباتی را در چند نقطه به آنها وارد کردند.

بطور خلاصه بگویم: دلیل مشخص وقوع درگیریهای اخیر چیزی نبوده جز بیای بند نبودن حزب دمکرات به توافق دوجانبه ای که مدتها قبل به عمل آمده بود، مبنی بر اینکه هر پیشمرگه آزادی است به هر سازمانی که میخواهد بپیوندد. ولی سلاحهای او باید رسماً به سازمان قبلی او باز

گردانده شود. با نقض این حقوق دمکراتیک و با نقض این توافقی فیما بین بوده که نیروهای آنها پیشمرگان ما را در روستای گلیه در منطقه مزبویان محاصره کردند و بزور میخواستند پیشمرگان را ملحق شده به ما را علیبرغم میل و اراده آزادانه خودشان پس بگیرند و به این ترتیب ابتدائی ترین شکل آزادیهای سیاسی و همچنین نص صریح توافقات دوجانبه را زیر پا گذاشتند.

حزب دمکرات در تعیین علت این جنگ میگوید که تبلیغات کومه له در مورد سیاستهای ایمن حزب ریشه این درگیریها و درگیریهای مشابه بوده. معنی این حرف چیزی نیست جز اینکه حزب دمکرات میخواهد جواب بحثهای سیاسی ما را با گلوله بدهد. زیرا که به زعم آنها آزادیهای سیاسی برای مردم کردستان هنوز زود است!

س - موضع سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) در قبال این وقایع چیست؟

ج - اطلاع دارید که بدستمال درگیری تابستان گذشته در بخش سویسی از توابع سردشت که منجر به شهادت ۶ تن از رفقای مسلمان گردید، هیئت تحقیقی برای روشن شدن چگونگی این درگیری تشکیل

شد. هیئت مزبور علیبرغم اینکه جزئیات جریان درگیری و زمینه های آن بروشنی معلوم شده بود، نتوانست بر شرتبیه متن مشترکی از نتایج تحقیقات خود بتوافق برسد و بناچار نمایندگان کومه له و حزب دمکرات در این هیئت هر یک جداگانه گزارش خود را از چگونگی درگیریهای سویسی به رهبری دو تشکیلات ارائه کردند. از آن هنگام تا کنون حزب دمکرات به بیانه های مختلف از فیصله دادن به کار این کمیسیون و نتیجه گیری از گزارش آن سر باز زده و در این باره سیاست دفع وقت را در پیش گرفته است. از اینرو امضای هر سند مشترک تفاهم آمیزی موکول به اعلام موضع صریح و منطمانه ای از حزب دمکرات در رابطه با کار کمیسیون تحقیق قبلی است. باید مردم کردستان اطمینان پیدا کنند که اینگونه توافقات دوجانبه بر روی کاغذ نمی مانند و طرفین در عمل به آن متعهد خواهند بود. این قدم اولی است که حزب دمکرات باید برای بهبود مناسبات خود با کومه له و برای بازگرداندن اعتماد مردم به توافقات دوجانبه بعمل بیاورد. بطور خلاصه رئیس سیاستهای ما در رابطه با جریانها تا اخیر در قبال حزب دمکرات اینها هستند:

اولاً، ماهیچ محدودیتی را

زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش

برای آزادیهای سیاسی در کردستان نمی پذیریم، ما طرفدار آزادی کامل و بی قید و شرط بیان و تبلیغات سیاسی هستیم و وجود این آزادیها را برای رشد جنبش کردستان، برای ارتقاء آگاهی سیاسی توده های کارگرو زحمتکش حیاتی میدانیم، ما نمیتوانیم بپذیریم که روح دمکراتیک جنبش کردستان از آن باز پس گرفته شود و این جنبش یک گام به عقب کشیده شود.

ثانیا، ما ابتدا به ساکن با حزب دمکرات وارد جنگ نمیشویم و آغازگر درگیری نخواهیم بود، اما بطور قطع هرگونه تعرض مسلحانه را بشدت خواجگو خواهیم بود و این راجح مشروع خود میدانیم.

ثالثا، ما دیگر حاضر نیستیم بدون اینکه تغییر روشی در سیاستهای رهبری حزب دمکرات نسبت به کومه له مشاهده کنیم، با آنها بیانه های تفاهم امضا کنیم.

ما از حزب دمکرات میخواهیم که آزادیهای کامل سیاسی را بدون قید و شرط بر رسمیت بشناسد و در عمل مراعات کند، به قراردادها و توافقات دو جانبه پای بند و متعهد باشد، در مورد رویداد تابستان گذشته در ناحیه سردشت، موضع صریح خود را اعلام کند و از آن رویداد که بنظر ما نیروهای آنها کاملا در ایجاد آن مقصر بودند اظهار تاسف کند، علاوه بر اینها ما از حزب دمکرات می - خواهیم که برای پستیهای گمرکاتی

با در مناطق مرزی مزاحمت ایجاد نکنند تا در نشستهای مشترک بر سر تعیین ضوابط مشترکی برای گمرکات در کردستان و دستیابی به یک سیستم واحد گمرکی توافق بعمل آید.

س - آئینده این اوضاع و مناسبات حزب دمکرات و کومه له را چگونه می بینید؟

ج - تا بحال سه جلسه رسمی در سطح مرکزیت با حزب دمکرات داشته ایم و در تمام این جلسات سعی کرده ایم که حزب دمکرات را به نا درست بودن سیاستی که در قبال مسائل جنبش خلق کرد پیش گرفته است، متقاعد کنیم، مسائل منتهای حسن نیت را برای خاتمه دادن به این درگیریها از خود نشان داده ایم.

این واضح است که تلاشهای ما برای خاتمه دادن به این درگیریها در انطباق کامل با منافع کارگران و توده های زحمتکش در کردستان قرار دارد، برای مسأله آزادی و دمکراسی امسری نیست که بتوانیم از آن صرف نظر کنیم، بنا بر این همان نظریه که گفتیم ما حاضر نیستیم از موضع خود میسوی برای اینکه حزب دمکرات با بدبه حفظ آزادیهای سیاسی و دمکراتیک در کردستان متعهد شود، عقب بنشینیم و خود را متعهد می بینیم که از این آزادیها و دستاوردها دفاع کنیم. بدین ترتیب اینکه آئینده این اوضاع چگونه خواهد بود،

کاملا به این مسأله بستگی دارد که حزب دمکرات در مقابل این خواست اساسی مردم کردستان چه عکس العملی از خود نشان میدهد. آیا حزب دمکرات کماکان برای محدود کردن آزادیهای سیاسی در کردستان به زور متوسل میشود و یا اینکه ضرورت وجود این آزادیها را در کردستان می پذیرد، این کل آن مسأله ای است که آئینده ما - سیات ما و حزب دمکرات به آن گره خورده است.

چنانچه حزب دمکرات به این تعهدات پای بند شود و چنانچه این آزادیها را در کردستان بپذیرد و به حفظ آن متعهد شود، ما نه تنها میتوانیم با آن همزیستی داشته باشیم و نه تنها این خود ضامنست پایداری برای جلوگیری از درگیری با حزب دمکرات خواهد بود، بلکه همچنین خواهیم توانست با حزب دمکرات در همکاریهای موثری بر علیه نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی وارد شویم.

آئینده مسأله دمکراسی در کردستان به عکس العمل توده های مردم کردستان نیز بستگی دارد، هر چه قدر توده های کارگرو زحمتکش بیشتر به این امر حیاتی، یعنی به امر دمکراسی در کردستان، حساسیت نشان دهند و از کنگسار آن بی تفاوت رد نشوند و خود را ملزم به دفاع از آن ببینند، به همان نسبت هم ما در تشجیت این خواست دمکراتیک نیرومند تر خواهیم بود، در عین حال این وظیفه همه رفقای ما است که امکان دخالت توده ها را

بقیه از صفحه ۱۷

نگاهی به ...

دمکرات به نزد پیشمرگان کومه له آمده و خواهان پیوستن به صفوف پیشمرگان کومه له میشوند. طبق قراری که بین دوسا زمان وجود دارد، در چنین مواقعی هریک از سا زمانها موظفند که سلاح پیشمرگانی را که از سا زمان دیگری آنها پیوسته اند به آن سا زمان تحویل دهند. و تاکنون کومه له همیشه مطابق این توافقنامه عمل کرده و سلاح پیشمرگانی را که از حزب دمکرات به کومه له می پیوندند به حزب دمکرات مسترد داشته است.

ولی این بار چه شد؟ صبح روز ۲۲ آذرماه هنگامیکه پیشمرگان کومه له، گردان کاک فواد تازه از عملیات پیروز مدخلع سلاح و تسخیر مقر مزدوران جمهوری اسلامی واقع در روستای سروآباد، بهمراه غنام و اسرا بازگشته بودند، دو تن از اعضای کمیته شهرستان مریوان حزب دمکرات از رفقای ما میخواهند که آن دو پیشمرگانی را که روز قبل به کومه له پیوسته اند به آنها تحویل دهند. رفقای ما اعلام میکنند که پیشمرگان را تحویل نخواهند داد، چرا که آنها آزادند و هر سا زمان سیاسی ای که خود مایلند فعالیت و مبارزه کنند، ولی طبق قرارداد فیما بین سلاحهای آنها را بعد از طریق رسمی به حزب دمکرات تحویل خواهند داد. مشتی در این لحظه آن دو فرد با رفقای ما گلاویز میشوند و سمیت آنها تیراندازی میکنند. ۲ رفیق ما مورد اصابت

و تشنجات نظامی بین ما و حزب دمکرات و همزمان با آن خواست برسمیت شناختن آزادی سیاسی و تبلیغ سیاسی در کردستان را طرح کرده اند. چنانچه این حرکت از جانب توده های زحمتکش و ستمدیده کردستان ادا نمیشود و چنانچه این عکس العملها توده گیر و در کردستان سرتاسری شود بطور قطع ضمانتهای پایداری برای خاتمه دادن به هر نوع درگیری مسلحانه فراهم میشود و جنبش کردستان به این ترتیب یک گام دیگر به جلو برخواهد داشت.

در این امر بیش از پیش فراهم کنند و با کار آگاهانه و مستمر خود سطح خواسته های دمکراتیک توده ها را دائما ارتقاء دهند، که تاکنون در روستاهای متعددی از منطقه درگیری چنین بوده است، مردم این آب و دینها خود بطور موثری وارد میدان شده اند و در این جریان دخالت میکنند، اجتماعات متعددی برپا کرده اند، قطعنامه هایی به همین منظور صادر کرده اند و در مراجعات متعدداشان به نمایندگان حزب دمکرات و کومه له خواست خود مبنی بر خاتمه دادن به درگیریها

اطلاعیه مشترک دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران و سا زمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) درباره پایان دادن به درگیری مسلحانه در ناحیه های دیواندره و مریوان

بدنبال رویدادهای اخیر ناحیه های مریوان و دیواندره نمایندگان کمیته مرکزی کومه له و دفتر سیاسی حزب دمکرات در نشست روز ۶۲/۱۰/۲ خود مقرر داشتند که بلافاصله به هرگونه درگیری مسلحانه پایان داده شود و پیشمرگان دوطرف موظفند با احساس مسئولیت در همه نقاط کردستان این قرار را رعایت کنند.

کمیته مرکزی کومه له دفتر سیاسی حزب دمکرات

۲ دی ماه ۶۲

برنامه کومه له برای خودمختاری کردستان

را بخوانید

بقیه از صفحه ۱۶

دهها نفر از جوانان زحمتکش دوره آموزش سیاسی - نظامی کومه‌له را بهایان رساندند.

طی این ماه پنجمین دوره آموزش نظامی - سیاسی کومه‌له در منطقه مکریان وسی و یکمین دوره در منطقه جنوب کردستان بهایان رسید و در پایان این دوره دهها نفر دیگر از زحمتکشان و انقلابیون به شکل دسته‌های پیشمرگ مسلح شده و به صفوف پیشمرگان کومه‌له پیوستند. ما ورود این رفقا را به صف انقلابیون کمونیست و به صحنه مبارزه فعال سیاسی - نظامی در کردستان انقلابی تبریک می‌گشیم. طبق گزارش را دیو صدای انقلاب ایران مراسم باشکوهی بمناسبت مسلح شدن این رفقا در جنوب برگزار شده که زحمتکشان چندین روستا در آن شرکت کردند و طی آن رفقای مسئول کومه‌له در منطقه در رابطه با اهداف و برنامه حزب کمونیست سخنرانی کردند. پیشمرگان و زحمتکشان حاضر در مراسم سرودهای انقلابی خواندند و گروه‌ها تارکومه‌له، نمایش "زحمتکشان مسلح شوید" را برای حاضرین اجرا کردند. با استقبال فراوان مردم رو برو شد.

سیاسی معتقد نیست. و در عین حال اعلام نموده که کومه‌له بهیچوجه در مقابل ادامه چنین سیاستی از طرف حزب دمکرات ساکت نخواهد نشست.

میدهند و ۳ رفیق دیگر ماسه اسارت درمی آیند. کومه‌له این توطئه را با تعرضات متقابل بی در منطقه پاسخ می گوید.

در طی این حوادث ناگوار ۱۶ تن از رفقای ما جان باختند و حزب دمکرات هم ۱۸ نفر از پیشمرگان خود را از دست داد. در طول این مدت مذاکراتی در سطح مرکزیت و تشکیلات انجام گردیده و طی آن بیانیه آتش بسی به امضا میرسد، و کلیه پیشمرگان و تشکیلات موظف به رعایت آن میگرددند. علاوه بر این، هیئت بررسی واقعه گلیه بکا رخودا دامه داده است. ولی نمایندگان حزب دمکرات از شرکت در آن خودداری ورزیده اند.

هر دو تشکیلات از طریق رادیوهای خود جریان راهمراه با تحلیل خویش از علل وقوع آن به اطلاع مردم کردستان و سایر نقاط ایران رسانده اند. صدای کردستان ایران، رادیوی حزب دمکرات کردستان، علت وقوع این درگیری را تبلیغات کومه‌له بر علیه حزب دمکرات کردستان اعلام کرد و صدای انقلاب ایران، رادیوی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، ضمن تشریح دقیق وقایع علت آنرا نقض اصول دمکراسی و عدم پای بندی حزب دمکرات به این اصول نامید و اعلام کرد که حزب دمکرات با ایجاد چنین وقایعی در واقع اعلام میکند که جواب تبلیغات سیاسی را با گلوله خواهد داد و به آزادی تبلیغات و فعالیت

گلوله قرار میگیرند، و آن دونفر از صحنه فرار میکنند. سپس از بلندبهای اطراف بست رفقای ما تیراندازی میشود و در این لحظه است که رفقای ما متوجه میشوند در محاصره پیشمرگان حزب دمکرات قرار دارند و پیشمرگان حزب دمکرات بلندبهای اطراف را اشغال کرده اند و قصد درگیری دارند.

درگیری سختی آغاز میشود. بلاخره پیشمرگان کومه‌له موفق میشوند حلقه محاصره را بشکنند و درگیری بعد از چند ساعت به پایان میرسد. در این درگیری ۳ تن از رفقای ما جان خود را از دست می- دهند و ۱۲ تن از پیشمرگان حزب دمکرات هم کشته میشوند.

پس از آن توافقنامه ای بر سر آتش بس بین مسئولین دو تشکیلات در منطقه امضا میشود و در ضمن هیئت مرکب از نمایندگان کومه‌له و حزب دمکرات در منطقه و مردم روستای گلیه برای رسیدگی به واقعه تشکیل میشود.

ولی متأسفانه، ۸ روز بعد از این واقعه حزب دمکرات یکبار دیگر حادثه می آفریند. در این روز پیشمرگان حزب دمکرات یک دسته از پیشمرگان تازه مسلح شده کومه‌له را در ناحیه سنندج بین روستای درگاوان و دوزخ دره کمین می اندازند و در نهایت قسارت و بیرحمی رفقای ما را به رگبار می بندند، که از میان این رفقا ۱۳ تن جان خود را از دست

بقیه از صفحه ۱۲

دخالت فعال

کردستان در طول رویدادهای اخیر نقش بسیار فعالی داشتند. بویژه در روستاهای بخش خورخوره دیواندره دخالت زحمتکشان در دفاع از دمکراسی بسیار برجسته و چشمگیر بود.

پس از تشکیل جلساتی با حضور نمایندگان روستای گلپه، رفقای ما در جوله‌های سیاسی در منطقه با مردم روستاهای مختلف به بحث و گفتگو نشستند و آنها را در جریان دقیق اوضاع قرار دادند. بدینال آن نمایندگان مردم ۹ روستای بخش خورخوره دیواندره خواهان انجام مذاکره‌ای بین رهبری و دو تشکیلات در سطح منطقه جنوب کردستان شدند. رفقای ما از آن استقبال کردند. مسئولین تشکیلات منطقه جنوب حزب دمکرات هم متعهد شدند که در هر محل و زمانیکه

نمایندگان مردم تعیین کنند برای مذاکره با کمیته منطقه جنوب کردستان کومه‌له حاضر شوند. نمایندگان مردم روستای بنا و جان ساعت ۱۰ صبح روز هشتم دی ماه را برای انجام مذاکره مقرر میکنند و آنرا با اطلاع کمیته منطقه جنوب کومه‌له و مسئولین حزب دمکرات در منطقه می‌رسانند. نمایندگان کومه‌له در زمان مقرر در روستای بنا و جان حاضر میشوند، ولی نمایندگان حزب دمکرات در محل مذاکره حاضر نمی‌گردند.

در نتیجه عدم حضور نمایندگان حزب دمکرات و انجام تگرفتن مذاکره، نمایندگان مردم ۹ روستای منطقه بی‌انتهای خطاب به حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) و خلق کرد مادر کردند. متن این بیانیه برای مسئولین دو تشکیلات در

منطقه ارسال شده است.

کمیته منطقه جنوب کومه‌له طی یک اعلامیه رسمی موافقت کامل خود را با این بیانیه مردم روستا - های خورخوره دیواندره اعلام داشته و متعهد گردیده که این بندها را به اجرا درآورد. قابل توجه است که حزب دمکرات تا کنون هیچگونه برخوردی به این بیانیه نکرده است.

از طرف دیگر تا کنون مردم ۴۶ روستای دیگر کردستان طی جلسات مختلفی پشتیبانی خود را از این بیانیه اعلام داشته‌اند و بر لزوم رعایت این مواد از طرف دو تشکیلات تاکید کرده‌اند.

اسامی این روستاها و بیانیه‌های اعلام همبستگی آنان با قطعنامه فوق از رادیو صدای انقلاب ایران پخش شده است.

"پیشرو شماره ۳ - ارگان مرکزی کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران"

به تاریخ ۳۰ آذرماه ۶۲ به زبان کردی منتشر شد

این شماره "پیشرو" حاوی مطالب زیر است:

- مقاله‌ای با عنوان تکامل جنبش کردستان در گرو چیست؟
به قلم رفیق جعفر شیمی

- ابوزیسیون سوزوایی در هراس از جنبش انقلابی کردستان.
نوشته رفیق عبدالله مهتدی

- قطعنامه‌های مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران درباره:

- ۱- جایگاه پرولتاریات و انقلاب ایران
- ۲- شورای ملی مقاومت
- ۳- بیکاری و اخراج کارگران
- ۴- وظایف کمونیست‌ها در مبارزه علیه قانون کار اسلامی

- بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران درباره طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان و همچنین جمع‌بندی عملیات نظامی پیشمرگان کومه‌له در ماه آذر و در طول تابستان و پاییز، بیامهای دفتر سیاسی حزب و کمیته مرکزی کومه‌له به رفقای کمیته منطقه جنوب کردستان، تیب ۱۱ سنندج و گردان جیا، گزارشی از مبارزات توده‌ای مردم در روستاهای اشغال شده کردستان در ماه اخیر، گزارشی از سومین جوله هنری گسروه ناشر پیشمرگان کومه‌له و بالاخره در صفحه روز شمار انقلاب مطالبی میخوانیم با عنوان "یاد ای از قسام ۱۹۰۵ - مسکو".

پیشرو

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

محل انتشار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱، طبقه اول

تاریخ انتشار: ۳۰ آذرماه ۱۳۴۲

قیمت: ۱۰۰۰ ریال

پخش: در سراسر ایران

تلفن: ۱۲۳۴۵

خطاب به ما زمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومله)،
حزب دمکرات کردستان ایران و
حلق رزمشده کرد

سما پندگان حزب دمکرات، کومله
و مردم گلپه برای بررسی جریان
درگیری گلپه تشکیل شده است.
هر چه رود ترا خود را شروع کرده و
نتیجه را به مردم اعلام کنید.

۶ - در مورد جریان درگیری
دو رخ دره که منجر به شهادت ۱۲
بیشمرگ آموزشی کومله گردید،
تحقیق شده و نتیجه را اعلام و حاضی
مجازا - کرده:

۷ - مواد فوق به نظر کمیته
جنوب کردستان کومله رسیده و
آنان آن را دگی خود را برای اجرای
آنها اعلام کرده اند. امر مرکز
آزادگان حزب دمکرات نیز میخواهیم
که نظرات خود را این مورد اعلام
کند. ما خواهان اجرای هر چه
سرینتر مواد فوق و پیمان دادن به
درگیری نظامی بین حزب دمکرات
و کومله هستیم.

۸ - هر طرف که بندهای فوق
را نقض کند، از نظر ما مقصراست و
با یدیه خلق کرد جوابگو باشد.

امضاء

۳ - بیشمرگان هر کدام از
تشکیلاتهای حزب دمکرات و کومله
آزاد در هر سازمانی که خود
تخصیص دهند به فعالیت
شیر دارند، اما وسایل و اسلحه
افراد که از حزب دمکرات به
کومله رفته اند و یا بالعکس، باید
به سازمان مربوطه تحویل داده شوند.
هیچکدام از طرفین حق نداشته
تا نتند برای بازگرداندن چنین
افراد به زور و اسلحه متوسل
شوند و مشکلات مربوطه را طریقی
مذاکره و یا شیوه های مسالمت آمیز
دیگر حل نوند.

۴ - در اولین فرصت حال است
آماده باش فوق العاده لغو گردد
و اسرا و اسلحه های مربوطه مبادله
گردند. این امر به وحدت مبارزاتی
مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی
کمک میکند.

۵ - کمیسیون تحقیق که از

بعد از رویدادهای دلخراش
درگیریهای حزب دمکرات و کومله
در جنوب کردستان که منجر به شهادت
عده ای از بیشمرگان کردستان
گردید، ما سما پندگان مردم روستا -

عای ساوجان، عزیز آباد، آساره،
آلی جان، دوزمان، ککوسیان،
درهوان، خالوازه و دروینا توکله
در کردها می خودیهای این نتیجه
رسیدیم که این نوع درگیریها به
ضرر جنبش حق طلبانه خلق گردد
است. بنا بر این ما میخواهیم که:

۱ - هر دو طرف تعهد دهند که
اختلافات سیاسی را از راه مذاکره
و گفتگو حل کنند و هیچکدام حق
نداشته باشند که برای حل اختلافات
سیاسی به زور و اسلحه متوسل شوند.

۲ - هر دو طرف آزادی کسامل
فعالیت سیاسی، آزادی بیان و
آزادی اسرار سفیده را محترم نموده
و اجرای آنرا تضمین کنند.

به کومله و حزب دمکرات - صورتجلسه مردم گلپه

ما معتمدین و ریس سفیدان به نمایندگی آبادی گلپه که مدت ۴ سال است از جنبش مقاومت خلق کرد
پشتیبانی کرده و خواهیم کرد. درگیری روز ۶۲/۹/۲۲ که بین بیشمرگان کومله و حزب دمکرات در آبادی
گلپه روی داد دست محکوم میکنیم و آنرا به زیان ملت کرد میدانیم و از حزب دمکرات و کومله میخواهیم که
دیگر این کار را بعضی درگیری مسلحانه روی ندهد. درگیری روز ۶۲/۹/۲۲ اینطور بود که بیشمرگان کومله
از عملیات سروآباد بازمیگشتند و ساعت ۷ صبح به آبادی رسیدند. و چند نفر بیشمرگ حزب دمکرات با چند
نفر بیشمرگ کومله متناحره لفظی داشتند. بیشمرگ دمکرات بنام احمد پادگانی و بیشمرگ کومله به بنام نادر
حداحو با هم گلاویز شدند. ساگاه از طرف بیشمرگان حزب دمکرات بسوی بیشمرگان کومله تیراندازی شروع
شد که دو نفر سما نادر خداحو و عباس کرمانشاهی شهید شدند. که باعث نگرانی مردم گلپه و فرد فرد ملت
گردند. ما از طرفی خواهان داریم که درگیری آخربا را با شکر رحمت ملت کرد و خون شهیدان کردستان سه
هدر نرود و دشمن ما نماند.

پیروزها شهید.

۶۲/۹/۲۷

امضای ۱۲ نفر از نمایندگان مردم گلپه

مقدمه

در شماره قبل اسامی ۱۵۱ تن از رفقای راکه پس از شهریور ماه ۶۲ در راه اهداف انقلابی حزب کمونیست ایران جان باخته اند (و یا غیرشهادت آنان طبیی این مدت بدست ما رسیده بود) اعلام کردیم، و یادنامه و شرح مختصری از زندگی و مبارزه ۶ تن از این رفقای استوار و انقلابی را به چاپ رساندیم. در طی یک ماه اخیر نیز حزب کمونیست ایران در سنگرهای کردستان انقلابی در نبرد علیه جمهوری اسلامی و در مبارزه برای دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر و برافراشته نگا هداشتن پرچم دمکراسی انقلابی، ۲۳ تن از رفقای آگاه، پیشرو و پر شور خود را از دست داد.

در طی این مدت همچنین خبر اعدام عده ای از فعالین انقلابی حزب کمونیست ایران توسط رژیم اسلامی سرما به و امیربالیسم بدست ما رسیده است که پس از بررسیهای ضروری نام آنان را بتدریج اعلام خواهیم کرد. در این شماره مختصری از زندگی افتخار آمیز رفقا مطلق فرزند که در شماره قبل خبر تیربارانش در زندانهای جمهوری اسلامی را اعلام نمودیم و رفیق محمدعلی پرتوی که در ماه اخیر غیرشهادت پرافتخارش را دریافت کرده ایم، به چاپ می رسانیم. لازم بتذکر است که چاپ شرح



گرامی باد یاد

جانباختگان راه سوسیالیسم

کمونیستها جان باختگان خود را در هاله ای از تقدیس خرافی و مذهبی نمی بینند، زیرا جانبازی در راه رهایی لازم پیروزی طبقه ای است که هر روز و هر ساعت نوجوانانش، پیرمردان و پیرزنانش و میلیونها زن و مردش در کارخانه ها، معادن و مزارع و در کل بدیوتی که بورژوازی آن را جامعه شامیده است، می میرند و زنده میشوند.

جان باختگان کمونیست گرامی و فراموش ناشدنی اند، زیرا در راهی تا به آخر جنگیده و با زنا بستاده اند که خود گرامی و مقدس است:

راه رهایی طبقه کارگر و کل بشریت از نظام استثمار و سرمایه داری و بی افکندن جامعه ای نوین و نایسته انسان آزاد، اگر کمونیستها در زندگی هر روزه خود آموزگار کارگران در امر انقلاب رها شیبخش کمونیستی اند، کمونیستهایی که قهرمانانه در این راه به استقبال مرگ می شتابند، گرامی - ترین آموزگار اند، زیرا آنان استیمال، زیونی و ناسوانی بورژوازی و بیحاصلی دستگاه قهر و سرکوب او را در برابر اراده استوار کارگران انقلابی به روشنترین وجه به ثبوت می رسانند، گرامی باد جان باختگان راه سوسیالیسم!

درود بر انقلابیون کمونیستی که در سنگرهای کردستان انقلابی و در سیاه چالهای جمهوری اسلامی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم فدا کردند.

رفقا:

- ۱ - عبدالله وهاب زاده (پیش عضو ک.ک.ا)
 پیشمرگان کومه له که در جریان شکستن حلقه محاصره مزدوران جمهوری اسلامی در تاریخ ۶۲/۹/۲۶ در یکی از روستاهای منطقه سندوس در شمال کردستان هدف گلوله های پاسداران جهل و سرمایه قرار گرفتند و قلب پرشورش آن از پیش ایستاد.
- ۲ - یوسف محمدزاده (فرمانده نظامی دسته)
 پاسداران جهل و سرمایه قرار گرفتند و قلب پرشورش آن از پیش ایستاد.

زندگی، مبارزه دیگر رفقای
 برجسته‌ای که نام آنها را اعلام
 کرده‌ایم مستلزم گردآوری
 اطلاعات کافی است و لذا با دیگر
 از همه فعالین و هواداران حزب
 و همه دوستان و بستگان این
 قهرمانان جان باخته طبقه کارگر
 می‌خواهیم که عکس، شرح زندگی و
 هر نوع اطلاعات دقیق تری که از
 تاریخ و نحوه شهادت این رفقا
 دارند را از هر طریق ممکن به
 دست ما برسانند.

درخاتمه، ضمن پوزش، اعلام
 می‌کنیم که در چاپ اسامی رفقا
 محمد حسین امینی، محمد مراد
 کمره‌گره و محمد زارع رشتی
 که در سمردهای چند ماهه اخیر در
 ناحیه کامیاران به شهادت
 رسیده‌اند در شماره قبیل
 اشتباهاتی وجود داشت که
 بدست‌ویله تصحیح می‌شود.

رفیق محمدعلی پرتوی

تا پای جان به طبقه کارگر و کمونیسم

وفادار ماند

انقلابی حرفه‌ای، رزمنده
 جنگی ناپذیر راه آزادی و
 سوسیالیسم، رفیق محمدعلی پرتوی
 تبریاران گردید. نام رفیق پرتوی
 را کمتر کسی که در دهه اخیر بنا
 مبارزه سیاسی و جنبش انقلابی
 ایران سروکار داشته ممکن است
 شنیده باشد. مقام قهرمانانه
 او در مقابل شکنجه‌گران ساواک
 در سال ۱۳۵۰ و دفاع قاطعانه‌اش

۳ - عبدالله سیدمرادی

(پیش عضو ک.ا.)

۴ - رضا جوادی

(فرمانده نظامی دسته)

بیشمرگان رزمنده و آگاه کومه‌له که
 در مبارزه برای درهم شکستن هجوم
 گسترده جمهوری اسلامی به مناطق
 آزاد ناحیه بانه در تاریخ ۱۴ - ۷
 دیماه، جان خود را فدای راه انقلاب
 و سوسیالیسم نمودند.

۵ - محبوبه کردیان ترقی

۶ - هادی شارانلی

۷ - علی حبیبی

۸ - شهرام بنی بشر

۹ - فرزاد مهربان

۱۰ - اقبال مرادی

۱۱ - محمود کریمی

۱۲ - حسین آخش

۱۳ - محی الدین اسدی

۱۴ - عبدالله احمدی

۱۵ - شفیع عبداللہی

۱۶ - کیومرث برفی

۱۷ - ایرج یوسف پور

۱۳ - فرزندبیر شور زحمتکشان کردستان
 بیشمرگان انقلابی کومه‌له که به
 تازگی دوره آموزش نظامی و سیاسی
 را به پایان رسانده و جهت سازماندهی
 در واحدهای نظامی از ناحیه دیواندره
 عازم سنج بودند، در اطراف روستای
 دوزخ دره بدینمال یک توطئه از پیش
 طرح شده در تاریخ ۶۲/۹/۲۸ به کمین
 نیروهای حزب دمکرات افتادند و
 بیرجمانه به رگبار بسته شدند.
 این رفقا با دلی پر شور و مالامال از
 عشق به راهی طبقه کارگر و محرومان
 جامعه پای در راه مبارزه در صفوف
 حزب کمونیست ایران نهاده بودند
 که با این اقدام ارتجاعی، پیش
 از آنکه فرصت یا بندسلاحهای خود را
 بر روی مزدوران جمهوری اسلامی
 بگیرند، توسط حزب دمکرات به خاک
 افتادند. یاد و نام این رفقا
 همواره در قلب کارگران ایران
 گرامی و عزیز خواهد ماند.

۱۸ - حسین علی پور

(فرمانده نظامی دسته)

۱۹ - علی مرادی

۲۰ - حسن منوچهری

(پیش عضو ک.ا.)

(فرمانده نظامی دسته)

بیشمرگان رزمنده و انقلابی سازمان
 کردستان حزب کمونیست ایران
 (کومه‌له) از گردان سردشت، که در
 جریان عملیات حسورانه در درون
 شهر سردشت در تاریخ ۶۲/۱۰/۱۷ در
 راه آزادی و سوسیالیسم و دفاع از
 حق تعیین سرنوشت ملی کردستان
 شاختند.

از مارکسیسم و اعتقادات و سازمان انقلابی خود در محکمه ضد انقلابی بورژوازی شاخص برخوردار انقلابی آن دوره گردید و نام رفیق پرتوی از همانوقت با انقلابیگری و استواری، با قهرمانی و مقاومت عجیب گشت.

محمدعلی پرتوی ۳۶ سال پیش در شهر تبریز به دنیا آمد. سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده فنی تهران گردید و ۳ سال بعد در سال ۱۳۴۹ عضویت چریکهای فدائی خلق در آمدوبه عنوان یک انقلابی حرفه‌ای زندگی مخفی را برگزید. در تیرماه ۱۳۵۰ در جنگلهای شمال طی یک درگیری با مزدوران ساواک از ناحیه پا زخمی و دستگیر شد. وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها کمترین تائیری بر مقاومت و ایستادگی او نداشت. دادگاه جلادان بورژوازی را سه صحنه دفاع از مارکسیسم و عقاید و سازمان انقلابی خود و محاکمه حکومت سرکوبگر آریا مهری تبدیل کرد. دادگاه او را به اعدام محکوم کرد. اما این حکم به اجرا در نیامد و محکومیتش به حبس ابد تبدیل شد.

در سال ۱۳۵۱ رفیق پرتوی را به زندان بندرعباس تبعید کردند، اما در سال ۱۳۵۲ بدنبال کشف نقشه فرارش، به اتفاق عده‌ای دیگر از زندانیان، چندین ماه تحت شکنجه قرار گرفت و سپس به

۲۱- سیامک دانایی
(بیش عضو ج.ک.ا. و فرمانده دسته و معاون پل)
۲۲- بنفشه ثابتی

بیشمرگان انقلابی کومه‌له که در اثر حوادث و وقایع اسفندار و ناگوار جان خود را از دست دادند.

۲۳- سعید نعلی

بیشمرگ انقلابی ورزمنده کومه‌له که در نبردهای ناحیه مهاباد مجروح گردید و در اثر شدت جراحات به شهادت رسید.

۲۴- محمد علی پرتوی

چهره محبوب و با سابقه جنبش کمونیستی ایران، ارمشولین بخش کارگری در تشکیلات اتحاد مبارزان کمونیست، که در ادامه اعدادم دسته جمعی اخیر عده‌ای از زندانیان سیاسی توسط رژیم منفور جمهوری اسلامی، قهرمانانه در برابر جوخه‌های آتش ایستاد.

یادشان گرامی و راهشان پیروز باد!

زندان تبریز منتقل شد. در سال ۱۳۵۴ به زندان اوین انتقال یافت و با ازمگینستن شیرازه حاکمیت و خفقان بورژوازی و امیرالایسم در اثر اوگیری جنبش انقلابی نوده‌ها رفیق پرتوی به اتفاق آخرین سری زندانیان سیاسی در آستانه قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد.

برای رفیق پرتوی مبارزه علیه ریشه و اساس تیره روزی، فقر

و نداری توده کارگرو زحمتکش مبارزه علیه سرمایه داری و برای حکومت کارگری انگیزه تحمل مصائب و شکنجه‌های توانفرسا، انگیزه دفاع از تشکیلات و اسرار سازمانی، بطور کلی، انگیزه زندگی را تشکیل میداد. برای او آنچه مقدس و خدشه ناپذیر بود آرمانهای انقلابی و سوسیالیستی پرولتاریا و مبارزه در جهت تحقق این آرمانها بود و هر چه در مقابل

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اینها قرار می گرفت با دیده کناری نهاده میشد. در دوره زندان او به تعمق سیاسی و تئوریک، به باز بینی فعالیت گذشته و به انتقاد از جوانب نقص و کمبودها وانحرا - فات حاکم بر حینش چسب ایران پرداخت. در همین روزها بود که به ماهیت خرده بورژوازی مشی چریکی و فداگیم و تمایز و انحراف آن از مارکسیسم واقف گردید و جزء اولین فدائیان بنی بود که نقد این مشی خرده بورژوازی و انحرفات چریکهای فدائی خلق از مارکسیسم و کمونیسم را در دستور خود گذاشت. دوره بعد از قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ دوره رونق موقت بازار طیف فدائی و روی آوری وسیع روشنفکران و خرده بورژوازی به سمت این جریان بود. اما محمد علی پرتوی که جزو معدود بازماندگان از اعضای اولیه چریکهای فدائی بود، از بیبوستن به سازمان فدائیان و انشعابات متعدد آن خودداری کرد. او در تداوم و تعمیق نقد خود از مشی چریکی و فداگیم روز به روز بیشتر ارفدائی و نمایی جریانات بیبولیستی فاصله گرفت و به مارکسیسم انقلابی نزدیکتر شد. سرانجام با تقدیم حاشیه و بریدن قطعی از فدائی و بیبولیسم، رفیق محمد علی پرتوی در سال ۱۳۵۸ به "اتحاد مبارزان کمونیست" پیوست و در بخش کارگری تشکیلات تهران این سازمان به فعالیت پرداخت. او تا روز دستگیری اش در شهریور ۱۳۶۱ در محبوف مارکسیسم

انقلابی و "اتحاد مبارزان کمونیست" به فعالیت مبارزاتی خود ادامه داد و جزو اولین مسئولین تشکیلات فابریک در تشکیلات تهران این سازمان بود. مزدوران اسلامی سرمایه و امپریالیسم در شهریور ماه ۱۳۶۱ رفیق پرتوی را به اتفاق همسرش در ترمینال مشهد دستگیر کردند. آنها شادمان از دستگیری یک انقلابی حرفه ای و کمونیست سرشناس و با سابقه، تحت شدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دادند. اما پرتوی در کوران مبارزه همچون سنگ خارا صیقل یافته و خسته نا پذیر بود. شکنجه های مجریان احکام خدا در روی زمین، این سوکران فرومایه بورژوازی، تنها شعله های خشم، نفرت و کینه طبقاتی اش را دامن زده و بی حساسیت عزم او را دهنه انقلابی طبقه اش، پرولتاریای انقلابی، به نابودی سرمایه داری بیشتر متقاعد ساخت. جواب او به بازماندگان جوان اسلامی سرمایه همان بود که ۱۲ سال قبل به حلف اینان، با روحیان ساواک داده بود: دفاع ایدئولوژیک از اعتقادات و شرافت کمونیستی اش، حفظ اسرار و اطلاعات تشکیلاتش و مشت محکمی بر پوزه جلادان.

شکنجه گران اسلامی، مایوس از دستیابی به اهداف شوم خود در رابطه با این انقلابی کمونیست، مخفیانه وی را سرودا حکم اجرا نشده ۱۲ سال قبل طبقه خود را در مورد او به اجرا در آورده و در آذر ماه ۱۳۶۲ در

قتلگاه اوین تیربارانش کردند. یادگرمی و صدای رسای زنده با دوسویا گیمس رفیق محمد علی پرتوی، که با صغیر گلوله پاداران جهل و ستم و سرمایه درهم آمیخته است، برای همیشه در خاطره طبقه کارگر، توده های زحمتکش و حزب کمونیست ایران محفوظ خواهد بود.

یاد کارگر پیشرو و کمونیست

رفیق مصطفی فرزاد گرامی باد

رفیق مصطفی فرزاد توسط رژیم اسلامی سرمایه و امپریالیسم تیرباران گردید. مصطفی فرزاد رفیق باور و مشاور مصیمی و یکی از رهبران کارگران فابریکهای مشهد بود.

کارگران مبارز شیرپاستوریزه، سیم، تیم، ایران ناسیونال، راه آهن، نخریسی خسروی و فابریکهای متعدد دیگری در مشهد و خیلی از کارگران ذوب آهن، مخصوصا کارگران قدیمی کوره بلند رفیق مصطفی فرزاد را بخوبی می شناسند. این کارگر پیشرو و انقلابی که از سال ۱۳۵۸ به اتحاد مبارزان کمونیست پیوسته و یکی از اعضای کمیته کارگری تشکیلات مشهد این سازمان بود، در سال ۱۳۶۱ توسط جانیانکاران اسلامی سرمایه دستگیر و در سال ۱۳۶۲ پس از یکسال حبس و شکنجه تیرباران گردید.

مصطفی فرزاد در سال ۱۳۲۵ در شهرجنورد متولد شد. در سال ۱۳۴۸ در ذوب آهن اصفهان استخدام شد

وبعدت ۶ سال در کوره بلسند ذوب آهن به کار پرداخته. مشاهده چینی که بورژوازی طبقه او همه توده های زحمتکش را محکوم به زیستن در آن کرده است، رفیق مصطفی را همچون هر عنصر شریف و باارز طبقه کارگر به مبارزه علیه نظام سرمایه داری و حکومت مدافع آن سوق داد. در دوره کار در ذوب آهن او مستاب یک کارگر جوان و کم تجربه، اما پر شور و انقلابی اولین در سهای این مبارزه را فرا گرفت و بدنبال کمک های متعدد با مقامات اداری و اداره حفاظت سرانجام در سال ۱۳۵۴ از کار در ذوب آهن استعفا داد.

در همین سال بدنبال یک دوره مطالعه، رفیق مصطفی با مارکسیسم آشنا شد و اهداف و آرمانها و مراسم طبقه خود را عمیقتر و علمی تر فرا گرفت. در سال ۱۳۵۵ در کارخانه شیرپا ستوریزه مشهد استخدام شد و از همان ابتدا در پیشانی مبارزه کارگران قرار گرفت.

در دوره قیام او و جگیری مبارزات کارگری او رهبر سازمان کارگران و مسئول شورای کارخانه بود. شورای کارگران شیرپا ستوریزه در این دوره به یمن فعالیت شبانه روزی و رهبری پیگیر رفیق مصطفی، یک شورای واقعا کارگری بود که از کنترل و نظارت پرنولد و توزیع تا ۴۸ ساعت کار در هفته و از آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی در کارخانه تا برگزاری مجمع عمومی هفتگی کارگران را با عملی و با اجرای آنها نظارت

میکرد. رفیق مصطفی در این دوره همچنین یکی از رهبران با نفوذ و مورد اعتماد کارگران مشهد بود که کارگران مبارز و پیشرو در مواجهه با مسائل و مشکلات گوناگون او را رفیق و مشاور صمیمی و مورد اعتمادی میدانستند و به او رجوع میکردند. در سال ۱۳۵۸ رفیق مصطفی فرزاد به "اتحاد مبارزان کمونیست" پیوست و مبارزه علیه سرمایه داری و برای آزادی و سومین سالیم را از این تاریخ زیر پرچم رها شیکش طبقه خویش - پرچم ما رکیسم انقلابی - به پیش برد. او یکی از اعضای محراب و با نفوذ کمیته کارگری تشکلات مشهد "اتحاد مبارزان کمونیست" بود و در تبلیغ و اشاعه مارکسیسم و کمونیسم در میان کارگران مشهد و رهبری مبارزات آنان نقش فعالی داشت.

در فروردین ماه سال ۱۳۶۰ پس از درهم شکستن قهری شورای کارگران کارخانه شیرپا ستوریزه و دستگیری عده ای از کارگران توسط با امداران مسلح سرمایه، رفیق مصطفی احبار زندگی مخفی را برگزید و بدنبال یورش گسترده و سراسری بورژوازی به جنبش کارگری و کمونیستی همچون صدها کارگری و کمونیست دیگر رفیق مصطفی هم توسط عمال اسلامی سرمایه و امپریالیسم دستگیر شد. شکنجه گران کوشیدند تا با توسل به کابل و آتش و شلاق او را به اسراژ ندامت و پشیمانی از سرگت و در حالت در مبارزه طبقه اش علیه

جهد و استقامت روحا کمیت سرمایه وادارند، اما مصطفی، فرزاد در چنان کوره ای از نسج و کسار و شرافت کارگری صیقل یابنده و چنان اعتقاد عمیقی به مرگ محتوم سرمایه داری و پیروزی طبقه خود داشت، که از گور برخاستگان مدافع استقامت در مقام و مت قهرمانان اش تنها جلوه ای از اراده انقلابی طبقه کارگریه ناسودی سرمایه داری را مشاهده کردند. سرانجام جلا دان مایوس از درهم شکستن روحیه انقلابی اش، در تابستان ۱۳۶۲ در قتلگاه اوین، او را بگلوله بستند. مایادان کارگران انقلابی و کمونیست را با تداوم مبارزه در جهت تحقق آرمانهای طبقه کارگر گرامی میداریم.



"تاریخ رهایی طبقه ما، برولتا ریای جهانی، با آتش و خون نوشته میشود. شما نه اولین نسل و نه آخرین نسل زندانیان و قربانیان طبقه کارگر در راه رهایی خواهید بود. از دیوار تبریساران کمونارها در پاریس، تا سنگرش، های خونین بطرز بسورک، از باریکا ده ای کارگران آلمان تا قتلگاه اوین راهی است که طبقه کارگری برای رهایی خویش پیموده است. حزب کمونیست ایران، به همراه شما و با تکیه به نیروی طبقه کارگر در راه تحقق این آرمان کمونیستی به پیش میرود." (استقل از پیام کنگره موسس حزب کمونیست ایران به زندانیان کمونیست)

کرباره: وظایف هواداران

مقدمه - به رفقای حزبی

وظیفه اصلی هر فعال حزبی در شهرها کمک به سازماندهی تشکیلاتهای محلی حزب است. این کار باید از طریق ایجاد تعداد هر چه بیشتری از حوزه‌های حزبی و تحکیم نفوذ و موقعیت این حوزه‌ها در محله‌ها و کارخانه‌ها صورت بگیرد. از اینروست که ما همه فعالین کمونیست را به ایجاد حوزه‌های حزبی فراخوانده‌ایم.

قطعا تعداد افرادی که بتوانند عضو یک حوزه حزبی باشند و از عهده مجموعه وظایف یک عضو برآیند نسبت به تعداد افرادی که میخواهند علی‌العموم به حزب کمک کنند بسیار کمتر است. حال سؤال اینست که رفیق مروج - سازمانده ماکه وظیفه اصلی خود را ایجاد حوزه‌های حزبی قرار داده است در برخورد به هوادارانی که چه بدلیل توانائیهای فردی و چه بدلیل موقعیت اجتماعی نمیتوانند عضوی از حوزه حزبی باشند، چه باید باشد؟ آیا باید آنها را به حال خود رها کرد و سازماندهی کمکهای آنها را به پس از ایجاد تشکیلاتهای محلی حزب وا گذاشت؟

البته اطلاق اصلی‌ترین وظیفه به وظیفه ایجاد حوزه‌های

حزبی، معنای عملی خودش را هم دارد و به این معنا هم هست که بیشترین انرژی و وقت هر رفیق حزبی ما را باید به خود اختصاص دهد، اما این بهیچوجه نباید به معنی بی‌توجهی به هواداران و نقش پراهمیتی که آنها میتوانند در کنار حزب ایفا کنند فهمیده شود.

امروز بسیار بیش از آنچه که در ظاهر بنظر میرسد دل‌های مردم ملامت از کینه و نفرت جمهوری اسلامی است. دهها هزار مرد و زن داغ‌دیده به آرزوی دیدن سرهای جلادان فرزندانشان بر بالای چوبه‌های دار صبح را به شب و شب را به صبح می‌رانند، میلیونها انسان ستم‌دیده و گرسنه را امید سرنگونی رژیم و رهائی، سر پا نگه داشته است. تک‌تک این مردم که سیاه‌ترین روزگار را میگذرانند بی‌هیچ تزلزل آماده‌اند تا سهم خود را در راه آزادی و رهائی ادا کنند. آنان که عزیزترین کسان و گرامی‌ترین چیزهایشان را از دست داده‌اند آماده‌اند تا به صف مبارزان فعال علیه حاکمیت شوم جمهوری اسلامی بیایند. اگر ما نقش تاریخی کارگران و جایگاه حزب کمونیست را برای آنها روشن کنیم و به آنها بفهمانیم که چه آسان

میتوانند به جریان مبارزه برای دمکراسی و آزادی متصل شوند و اوقات کسالت‌آور و بی‌حاصل هر روزه را به ساعاتی مملو از شور و امید و مبارزه تبدیل کنند، اگر ما به آنها بفهمانیم که همان کمک هر روزه آنها -

اگرچه کوچک و کم باشد - در مجموع تا چه حد جنبش انقلابی را تقویت خواهد کرد، در لزوم فعالیت بنفع حزب تردید نخواهند کرد. دهها هزار انسان شریف و انقلابی منتظرند بدانند که برای رهائی از این روزگار نکیت بار چه باید بکنند، اینها همه باید حامیان فعال حزب ما باشند. ما از هواداران حزب وظایف معین و تعریف شده‌ای را میخواهیم، رفقای سازمانده ما باید از هواداران همینها را بخواهند. هوادارانی که با یکدیگر ارتباط طبیعی و اجتماعی دارند میتوانند همه این وظایف را بطور جمعی و متشکل تر انجام دهند. رفقای ما هم باید همین توصیه را به هواداران بکنند. در صورتیکه چنین روابطی موجود نباشد در شرایط کنونی ما در کنار هم قرار دادن هواداران و متمرکز کردن مکانیکی آنها را توصیه نمی‌کنیم.

رفقای حزبی ما بایند هواداران را به اهمیت کارهایی که به آنان سپرده میشود آگاه کنند، شیوه انجام آنها را بیاموزند، آنان را از طریق آدرسهای علنی به حزب متصل

کنند. به این ترتیب رفقای مروج - سازمانده آنطور که باید سخن اعظم وقت و انرژی خود را صرف سازماندهی کارگران کمونیست در حوزه‌های حزبی می‌نمایند بی آنکه هواداران بیسرامون آنها عاقل و بلا تکلیف مانده باشند.

وظائف هواداران

آنکس هوادار حزب است که این هواداری را بعمل در آورد. آنچه که حزب در مقاطع مختلف از هواداران خود میخواهد بسته به شرایط تغییر میکند اما در کل میتوان گفت هوادار کسی است که اهداف و سیاستهای حزب را تأیید میکند و میخواهد عملاً به حزب یاری برساند. با درک این حکم عام از یکسو و نیازهای حزب از سوی دیگر است که هر رفیق هوادار میتواند با توجه به شرایط و مکان و بسزه خود راههای اختصاصی تر کمک رساندن و یاری دادن به حزب را تشخیص دهد و با ابتکار و خلاقیت خود راههای بهتری را بگشاید.

آنچه در زیر می‌آیند عمومی ترین وظائف هواداران حزب است که ما آنرا از همه هواداران حزب میخواهیم. برای کمک رساندن به حزب بیسبوه‌های پیچیده‌تر و اختصاصی درجه‌ای از ارتباط نزدیکتر به حزب لازم است. بنابراین ما وظیفه تماس گرفتن و مرتبط شدن با حزب را در صدر وظائف هواداران قرار میدهیم.

با حزب ارتباط برقرار کنید

رفیقی که خواهد در کمک رسانی خود به حزب ادامه کار باشد قبل از هر چیزی باید بگوید با حزب تماس بگیرد و حزب را از وجود خود و تعهدی که داده و وظایف می‌خواهد بپذیرد مطلع کند. به این منظور کافی است با نام مستعار و امضاء معینی که برای خود انتخاب میکند به آدرسهای غلنی حزب در خارج کشور نامه بنویسد و در وهله اول بگوید که در کدام گوشه ایران قصد چه کارهایی را برای حزب دارد و منظمآ از فعالیت خود حزب را مطلع نگهدارد.

این هم به ما در بر آورد دقیقتر نیروها و امکانات کمک میکند و هم امکان میدهد که رهنمودهای حزب به آنها در نشریات و رادیو مشخص تر و قابل استفاده‌تر شوند و بسبب همین ابزارها فعالیت هواداران بطور متمرکزتری هدایت شود.

پیدا کردن فعالین محلی حزب توسط هواداران به آسانی ممکن نیست و حزب نیز ابتدایه ساکن و بدون شناخت قبلی کمکی به وصل شدن هواداران به فعالین محلی نخواهد کرد. بنابراین برای برقراری تماس دو جانبه،

رفقای هوادار باید یک آدرس پستی از روابط بیرامونی خود را بترتیبی که توضیح خواهیم داد برای ما ارسال کنند تا ما بتوانیم دریافت نامه‌ها و گزارشهای آنان را از طریق نامه به اطلاعشان برسانیم و ترتیب ارتباطات محکمتری را با آنها بدهیم.

بمنظور به حداقل رساندن خطر ارسال آدرس بسبب نامه رفقای ما باید آدرس مورد نظر خود را طی چند نامه به آدرسهای مختلف حزب و با فاصله زمانی، بفرستند. مثلاً در یک نامه اسم شهر، در نامه دیگر اسم خیابان، در نامه دیگر اسم کوچه و شماره پلاک را بنویسند بنحوی که هیچیک از نامه‌ها به تنهایی اطلاعات مفیدی برای پلیس نداشته باشد. نکته مهم اینست که اسم و امضاء همه این نامه‌ها باید یکی باشد. نامه‌ها شماره داشته باشند و ترتیب ترکیب این اطلاعات مجزا برای ما روشن شده باشد. برای محکم کاری بیشتر میتوان حتی همین اجزاء آدرس را با آب لیمو بطور نامرئی در فواصل خطوط یا جاهای سفید نامه‌های ظاهراً معمولی نوشت. پس از رسیدن آدرس و تأمین توانائی ما در دادن رسید به

بشکل حوزه‌های حزبی متشکل شوید

نامه‌ها و گزارشها، میتوان با فرستادن مجموعه‌ای از کلمات و جملات قراردادی و حتی جداول رمز، با خطوط نامرئی و اطمینان از سلامت رسیدن آنها به مقصد امنیت گزارش‌دهی و مکاتبات متقابل را به میزان بسیار زیادی بالا برد.

هر رفیق هوادار باید سعی کند علاوه بر متصل کردن خود به حزب، آدرسهای علنی حزب را هر چه وسیعتر به اطلاع کارگران و زحمتکشان برساند و شیوه‌های تمان گرفتن با حزب از طریق آدرسهای علنی را به هواداران دیگر بیاموزد. و به آنها اهمیت برقراری تماس با حزب را بفهماند.

به حزب کمک مالی برسانید

هیچ منبع دائمی مالی جز کمکهایی که بطور داوطلبانه از طرف توده‌های کارگر و زحمتکش و بطور کلی هواداران حزب پرداخت میشود متصور نیست. یک وظیفه همیشگی هوادار حزب جمع آوری و پرداخت کمک مالی به حزب است. هر رفیق هوادار باید خود را متعهد بداند که بطور مستمر مبلغ معینی را از درآمد خود بنفع حزب کنسار بگذارد و از دوستان و آشنایان خود هم کمکهای مالی را جمع آوری کند. رفیق هوادار منا باید بداند که هر تومان کمک با صرفه‌جویی اوبسبغ حزب می-

تواند تبدیل به نشریه‌ای در دست زحمتکش مشتاقی در گوشه و کنار ایران بشود.

اگر با رفقای حزبی در محل تماس ندارید میتوانید از طریق آدرس حساب بانکی حزب در خارج کشور و با کمک دوستان و آشنایانی که در خارج دارید کمکهای جمع آوری شده را بدست ما برسانید. از طریق جاسازی کردن قطعات انکسار در پاکتهای بستنی نیز میتوان حجم کوچکی از پول را به آدرسهای علنی پست کرد. همچنین در صورت دسترسی به مقرهای پیشمرگان کومله میتوان کمکها را به آنان تحویل داد.

بهر حال در صورتیکه رساندن کمک مالی به حزب به سهولت و فوریت امکانپذیر نباشد میتوانید کمکها را نزد خودتان نگهدارید، جمع آوری کنید تا راه مناسبی پیدا شود. تماس مکاتبه‌ای شما با ما میتواند در این مورد بسیار کارساز باشد.

برای حزب خبرنگاری کنید

هر رفیق هوادار حزب باید به مراتب جدی تر و منظم تر از هر خبرنگار حرفه‌ای که در استخدام روزنامه‌های خبری است اخبار و گزارشهای خبری را برای حزب جمع آوری و ارسال کند. دامنه اخباری که مورد نیاز ارگانهای حزب برای فعالیت هر روزه است

بسیار وسیع است. اخبار مبارزات کارگران و توده مردم، اخباری که فشار خفقان و شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی را بر مردم نشان میدهد، اخباری که اوضاع زنان، اقلیتهای مذهبی، دانش‌آموزان و اقشار مختلف تحت ستم را منعکس میکند، اخباری که از شیوه‌های پلیسی و روشهای مختلف رژیم در سرکوب آزادیخواهان و انقلابیون بویژه رهبران جنبش کارگری برده بر-میدارد، اخبار حاکی از ناراضیها، افکار عمومی و تلقی‌های افشار مردم در مورد مسائل مختلف اجتماعی، اخبار زندانها، مقاومتها و جنایتکاریهای رژیم، اخبار مربوط به انعکاس نظرات حزب در میان توده‌ها و حتی شایعات وسیع، همه و همه مورد نیاز و مطالبه ماست.

هر رفیق هوادار خود بخوبی درک میکند که چه نوع اخبار مورد نیاز حزبی است که میخواهد با اتکاء به اراده و آگاهی توده‌های زحمتکش علیه رژیم و علیه نظامی که این رژیم مدافع آنست بجنگد. مهم اینست که رفقای ما مطلع بودن حزب را از وقایع و اتفاقات قرض نگیرند و تهیه اخبار و گزارش را از طرف خود زائد نهندارند. حتی در مواقعی که اخبار در روزنامه‌های خبری و در میان مردم کاملاً پخش شده است خود را تنها کسانا مطلع شدن حزب از اخبار قرض‌کنند و وظیفه خبرنگاری

خود را بدرستی انجام دهند. هر رفیق خیزنگار باید این نکات را رعایت کند:

۱ - گزارشهای بی امضاء نفرستد. برای خود نام معینی را انتخاب کند و همیشه با همان نام و امضاء برای ما خبر بفرستد در طول زمان درجه اتکالی که حزب میتواند به گزارشهای او داشته باشد روشن شود و معلوم گردد که آیا میتوان این یا آن رفیق را منبع موثق بحساب آورد یا نه.

۲ - لازم است که رفیق خیزنگار منبع کسب اخبار و میزان موثق بودن خبر را ذکر کند و از شایعانی که گزارش میکنند تفکیک نماید.

۳ - یک خیزنگار خوب باید در کسب خبر فعال باشد و سعی کند بمجرد پیدا کردن سرخپهایی از یک خبر و با شایعه در آن زمینه تحقیق و پرس و جو کند. ما بر این باید سعی کند خود را با دوستان و رفقای مختلف، با محافل خاوادگی متعدد مرتبط نگه دارد. در میان کارگزاران، خانواده‌های زندانیان سیاسی، کارمندان، فرهنگیان، ارتشیان و... دوستان و آشنایان هر چه بیشتری پیدا کند، حتی کاتبانهای برای کسب خبر از معتمدین رژیم هم ایجاد کند و مکاتباتش را با آشنایان در شهرستانهای دیگر گسترش دهد و... و بالاخره اینکه گاهی اوقات

مردم که چند سال شاهد بی سابقه‌ترین جنایتها از جانب حکومت اسلامی و جیره‌خواران است بوده اند تمام حساسیت "خبری" خود را از دست میدهند. دیگر دستگیری، کتک کاری، حجاب اجباری، اخراج، توهین، سلب حقوق، تبعیض، شلاق زدن، دست بردن و امثالهم را وقایع عادی تلقی می کنند و تنها زمانی دستشان برای نقل خبر مفصل و دقیق به قلم میرود که خبر، خبر بریده شدن سر زندانی یا چاقو بدست نگهبان در ملا عام باشد!

حکومت اسلامی نه فقط همه حقوق مسلم فردی و اجتماعی را از مردم سلب کرده است بلکه سعی دارد با تبلیغات و آموزش و پرورش خود انتظارات اعضا جامعه را تا سطح توقع اعضا یک قبیله بادیه نشین عصر جاهلیت تنزل دهد. خیزنگار ما باید خود را از تاثیر ایس تبلیغات مخرب حفظ کند و از زاویه دید یک انسان قرن بیستمی آزادیخواه که تازه وارد ایران شده است ارزش خبری وقایعی را که در محیط اطرافش اتفاق می افتد ارزیابی کند، این نوع گزارشها سویزه برای شان دادن تصویر واقعی اوضاع ایران به افکار عمومی جهان و جلب حمایت توده‌های مردم غیر ایرانی بسیار لازم و مفیدند.

ناگفته پیداست که ایس توصیه‌های عمومی ما درباره خبر-نگاری اضافه سرتاکیدی است که

همیشه بر اخبار ساززات کار-گری، گزارش از وضعیت کار و زندگی و حرکات اعتراضی آنان داشته‌ایم و نیازی به این نیست تا حمایتی بودن اطلاع حزب از اخبار کارگری را بار دیگر تکرار کنیم.

حزب کمونیست را وسیعاً بشناسانید و نفوذ آنرا در میان مردم گسترش دهید

اگر کسی از سرآگاهی و ایمان به حزب هوادار آن باشد به این معنی است که هوادار تحفوق اهداف و سیاستهای حزب و معتقد به ایدئولوژی حزب است و اگر برآستی نقش آگاهی را در راهی که خود می بیند درک میکند باید بکوشد تا این آگاهی و ایمان را به همه کارگزاران و زحمتکشان محروم جامعه منتقل کند، یک وظیفه همیشگی هر هوادار حزب تبلیغ اهداف و سیاستهای حزب است.

در مقطع کنونی شناساندن حزب به توده‌های هر چه وسیعتری از مردم و بسط نفوذ حزب در میان آنها یکی از مهمترین وظایف رفقای حزبی و هواداران حزب در همه جا است. هر کارگر ایرانی باید بداند که حزبی در ایران وجود دارد که متعلق به طبقه اوست، حزبی که علیه همه آن شرایط مبارزه میکند که او را به بند کشیده است. هر کارگر ایرانی باید بداند که حزب ما درباره مشکلات و مسائلی که او با آنها روبروست چه میگوید.

جه نظری دارد وجه توصیه‌هایی میکند. این وظیفه هواداران حزب است که حزب را به کارگران بشناسانند، نه فقط کارگران، که همه محرومان، همه ستمدیدگان و رنجبران، همه کسانی که به این نظم ظالمانه معترضند و نمی‌خواهند به سرنوشتی که خدای برنامہ برای آنها رقم می‌زند تسلیم شوند باید حزب ما را بعنوان حزب پیگیرترین و انقلابی‌ترین طبقه، حزب مدافع پیگیرترین و وسیع‌ترین دمکراسی و آزادی بشناسند، همه آنچه‌را که حزب ما برای آنان مطالبه می‌کند بشنوند و بدانند، اینها همه وظیفه هواداران حزب است، هیچ فرد انساندوست، دمکرات، انقلابی و هیچ انسان شریف و حق طلبی نیست که نتواند بفهمد که چرا او هم باید هوادار حزب کمونیست باشد و از حزب کمونیست طرفداری کند، هر هوادار حزب باید بگوید تا نه فقط دوستان و آشنایان کارگر و زحمتکش خود بلکه همه این نوع افراد را همچون خودش به هوادار فعال حزب تبدیل کند، ما میتوانیم و باید نه فقط در میان کارگران بلکه در میان دانشجویان، کارمندان، پزشکان، معلمان، نظامیان، اقلیت‌های ملی و مذهبی و زنان از هر قشر و طبقه‌ای، محافل هوادار حزب داشته باشیم، اینرا هر هوادار حزب که در میان آنهاست باید با فعالیت خود فراهم کند.

پس آن بخش از هواداران غیر کارگر ما که از محیط کار و زندگی کارگران بدورند علاوه بر تلاش همیشگی برای ملحق کردن تعداد هر چه بیشتری از کارگران به حزب، باید در میان همان قشر از جامعه که با آنها پیوسته و نزدیکی بیشتری دارند هم شریف‌ترین و انقلابی‌ترین افراد را بیابند، به ترک موقع طبقاتی شان و به صف مدافعان حزب طبقه کارگرایان فرابخوانند، بخش نشریات و اوراق تبلیغی حزب و مطلع کردن مردم از ساعات و فرکانسهای بخش رادیو و آدرسهای علمی حزب در شناختن و معرفی حزب و بسط نفوذ آن اهمیت بسیار زیادی دارد، رقابتی که خواهند در زمینه بخش نشریات بیشتر فعالیت کنند میتوانند با برقراری ارتباط دو جانبه مکاتبه‌ای با ما رهنمودهای لازم را دریابند کنند، بهر حال دو وظیفه مشخص به منظور کمک به بخش نشریات به عهده هواداران است: (۱) باز نویسی و تکثیر نشریات حزب از روی خود نشریات یا نوار برنابده‌های رادیویی و توزیع آنها (۲) یافتن آدرس منازل کارگران و زحمتکشان در کویهای کارگری و محلات فقیرنشین شهر - تعداد هر چه بیشتر و ارسال آنها برای هیات تحریریه نشریه کمونیست، برای مطلع کردن مردم از آدرسهای علمی و فرکانسهای رادیو علاوه بر کار شفاهی و

نوشتن روی دیوارها، تلفنهای عمومی، اسکاس و امثالهم هر رفیق هوادار نه آسانی متنبود با باز نویسی تراکتهای رادیویی که ساعات و فرکانس و آدرسهای دستی را اعلام میکند هر روزه دهها نسخه تراکت را به آدرس خانه‌های مختلف در محله رحمتکش نشین شهر پست کند.

به فراخوانها و رهنمودهای عمومی نشریات و رادیوی حزب عمل کنید.

هواداران حزب باید محرمانه جدی رهنمودهای نشریات و رادیو حزب باشند. ارگان حزب از همه خوانندگان خود خواسته است که برایش نامه بنویسند، گزارش و خبر تهیه کنند و نشریه را بدست کارگران برسانند، رادیو خواستار آنست که شنوندگان کیفیت دریافت صدا را مرتباً گزارش کنند، آدرس‌ها و ساعات بخش برنامه‌های عادی و فوق العاده را به همگان اطلاع دهند، برنامه‌های رادیو را بشنویند و بپیاده و بخش کنند، از وضعیت زندگی و مبارزه‌توده‌ها گزارش تهیه کنند و... اینها و همه فراخوانهای دیگر رادیو و نشریات حزب باید بطور جدی بوسیله هواداران اتخاذ شوند.

گزارش فعالیت و عملکرد خود را منظماً برای حزب بفرستید.

دست کم هر دو هفته یک بار خلاصه‌ای از آنچه که در کمیته رساندن به حزب انجام داده‌اید بقیه در صفحه ۳۷

مبارزات پراکنده...

حاکمی از آن است که ما با "کنفود مبارزه" مواجه نیستیم، اشکال کار عمدتاً بر سر پراکندگی و تفرقه در مبارزات کارگری است، اعتراضات، اعتصابات کارگری در کارخانه‌های خرومیخواهد و در کارخانه‌های دیگر سر بلند میکند، بی آنکه ارتباط و پیوندی با یکدیگر یافته باشد. در کارخانه‌های مبارزه بر سر افزایش دستمزد در ایران دار و در کارخانه‌های دیگر کارگران برای تعطیل پنجمین ماه یا خاسته اند. در یکی مبارزه علیه انجمن‌های اسلامی بالا گرفته است و در دیگری کارگران معترض به کاهش دستمزدها به بهانه کمک به جیب‌ها به گلوله بسته میشوند. در شهر صنعتی الیزکا کارگران کارخانه مولین موکت مدیریت را اخراج کرده و کنترل را بدست می‌گیرند، کارگران کارخانه کنتور سازی به اطر عدم پرداخت حق تولید مبارزه میکنند و کارگران فرش پارس در پی افزایش دستمزد جوش می‌دهند. در تهران کارخانه‌های پارس مثال و خودروسازی فیسات برای تعطیلی ناستانی مبارزه میکند، و کارگران ارج و سایپا بخاطر تعطیل پنجمین ماه دست به اعتراض می‌زنند - و تازه در این مورد کارگران ارج شیوه تحصن را بر می‌گیرند، حال آنکه در سایپا مبارزه برای همان هدف به مثاله تشکیل شوراکشانه میشود. کارگران حیرال موتور علیه "قطع سهم

تولید" به بهانه کمک به جنگ زدگان اعتراض میکنند، کارخانه های ری، او، واک در تهران و خانه سازی در کرمانشاه انجمنهای اسلامی را منحل میکنند، کارگران تولیداروبرای "حق اضافه تولید" مبارزه میکنند و کارگران فیسات بر سر طرح طبقه بندی مشاغل با دولت رودرو قرار میگیرند. اینها فقط گوشه کوچکی از مبارزات کارگران در سال ۶۲ است. مبارزاتی متنوع و گسترده، اما پراکنده و محصور در چهارچوب کارخانه‌های منفرد. در طول تمام این مبارزات کارگران هر کارخانه بدون دخالت و گاهی حتی مطلع شدن بخشهای دیگر کارگران، هر یک به تنهایی در مقابل سرمایه داران و رژیم اسلامی حاکمی آنها قرار گرفته اند. باید به این وضع خاتمه داده شود. باید این مبارزات متحد و هماهنگ گردد زیرا این لازم هر گونه رشد جنبش کارگری و دستیابی به مطالبات کارگران است. این شرط لازم ظهور طبقه کارگر به عنوان رهرو پیشرو در انقلاب است. طبقه ای که منشاء قدرت لایزال و تحول بخش اش اتحاد اوست، نمیتواند به این پراکندگی و پراکنده کاری رضایت بدهد.

واقعیت اینست که کارگران اهمیت مبارزه متحدانه در سطح وسیعتر از چهارچوب یک کارخانه را درک میکنند و نمونه‌های زنده ای از تفرقه‌ناهی مبارزه متحد و سراسری و کم اثری مبارزات پراکنده را تجربه کرده اند. کارگران رشت در زمستان ۵۸ با متحد شدن در "اتحادشورا های گیلان" و با برگزاری میتینگ ۲۵ هزار نفری در اعتراض به لغو سود ویژه رژیم را وادار به عقب نشینی نمودند. در مقابل دهها اعتراض و اعتصابات کارگران بر سر همین مساله در سایر نقاط ایران، به این دلیل که در چهارچوب کارخانه‌های منفرد باقی ماند، با همه گستردگی خود، سه نتیجه نرسید. مبارزه سراسری کارگران علیه قانون کار اسلامی با تمام نواقص و کمبودهایی که داشت به روشنی نشان داد که چگونه هنگامی که مبارزات کارگری از محدوده یک کارخانه خارج شده و ابغادی سراسری بخود می‌گیرد، قادر است رژیم اسلامی را به عقب نشینی وادارد. تمام تجربه جنبش کارگری شاهد این است که کارگران به درجه ای میتوانند به خواستها و مطالبات خود دست یابند که به مثابه یک طبقه واحد، با شما را و خواستهای واحد در صحنه مبارزه ظاهر شوند. در سراسر

قدرت طبقه کارگر در تشکل اوست

نیروی متحد و مبارزه سراسری و هماهنگ کارگران ایران جمهوری اسلامی پارای مقاومت نخواهد داشت.

اما برای تبدیل مبارزات پراکنده به مبارزاتی سراسری و پیوند زدن مبارزات کارگری کارخانجات مختلف به یکدیگر چه باید کرد؟

در شرایط کنونی باید در دو جهت اصلی گام برداشت. اول، تثبیت شعارهای واحد مبارزاتی در میان کارگران و دوم، مرتبط کردن کارگران کمونیست و مبارز و رهبران عملی بخشهای مختلف جنبش کارگری به یکدیگر، به عبارت دیگر فقدان شعارهای واحد و سراسری و فقدان ارتباط عملی مبارزاتی میان کارگران پیشرو و کمونیست و رهبران عملی جنبش کارگری در مقیاسی سراسری، دو مانع اساسی در برابر سراسری و هماهنگ شدن مبارزات کارگری است و ما باید تلاش خود را در این مقطع معطوف به رفع این دو مانع اصلی بنمائیم.

کارگران باید در عرصه های مختلف شعارهای واحد داشته باشند. شعارهایی که خطت عمومی و فراگیر خواستهای آنان را در زمینه های مختلف بطور مشخص بیان کند، وحدت در شعارها گام مقدم هر نوع وحدت در مبارزه است. مبارزه کارگران علیه قانون کار اسلامی، که رژیم را وادار به عقب نشینی نمود، اساساً به اعتبار شعار و خواست واحد همه کارگران و

علیرغم فیا با ابتدائی ترین اشکال سازمانیابی و وحدت تشکیلاتی، خصلتی سراسری و متحد یافت. مخالفت با قانون کار اسلامی زمینه مشترکی شد که کارگران هر کارخانه و واحد اقتصادی را به یکدیگر پیوند میدهد. سه این ترتیب اعتراض و مبارزه در محدوده یک کارخانه محور نمائند و تمام کشور را فرا گرفت. کارگران هر کارخانه با ورود به عرصه مبارزه علیه قانون کار، با عرصه های میگذشتند که بقیه بخشهای طبقه کارگری نیز خود را مستقیماً در آن سهیم و ذینفع می یافتند.

همین ساده ترین شکل وحدت از طریق مطالبات و شعارهای واحد و همزمان به ما امکان میداد تا روحیه همبستگی و آگاهی طبقاتی، شکل پذیری و اعتماد به نفس و ایمان به قدرت طبقه کارگر را در میان کارگران بالا ببریم.

همانطور که گفتیم شعارهای واحد سراسری در عین عمومی و فراگیر بودن، شعارهایی مشخص و تعریف شده است. مطالباتی است که بر علیه مشکلات و معائب کل کارگران مطرح میشود و حل سراسری آنها به نیروی کل کارگران طلب میکند. همه کارگران بر سردستمزدها، بر سر ساعت کار، بر سر شرایط کار، بر سر دستگیری کارگران پیشرو و انقلابی، بر سر اخراج و بیکاری و علیه انجمنهای اسلامی و غیره مبارزه میکنند، اگر ما بتوانیم در هر زمینه یک شعار واحد را در میان کارگران تثبیت کنیم آنگاه

اعتراض در هر کارخانه بر سر این یا آن مسأله معین، میتواند بصورت یک خواست عمومی و طبقاتی مطرح شود و کلیه کارگران را به دخالت در تعیین سرنوشت این مبارزه و به حمایت و همبستگی فراخواند و به میدان بکشد. هر چند بخش حداکثر برنامهمحور کمونیست ایران است، چنین شعاری است. از میان این شعارها، بویژه با دیدن این دوره برای شعارها و خواستها تاکید کنیم: ۴۰ ساعت کار در هفته، افزایش دستمزد به تناسب تورم، اخراج در صلاحیت مجمع عمومی کارگران است، آزادی اعتصاب، آزادی زندانیان سیاسی، بیمه بیکاری و انحلال انجمن های اسلامی. این شعارها چکیده خواستهای اساسی کارگران در این دوره است و از زمینه بسیار مساعدی برای تبدیل شدن به شعار مبارزاتی کل کارگران برخوردار است. فعلاً این حزب و کارگران پیشرو و کمونیست باید بکوشند تا این شعارها در میان کارگران و کلیه کارگران جای خود را باز کنند. اعتراضات در واحدهای مختلف باید در جهت مطرح کردن این شعارها و فراخواندن واحدهای دیگر به حمایت و همبستگی سازماندهی و هدایت شود. این یک گام اساسی در جهت متحد کردن مبارزات کارگری است و امکان می دهد تا حول این شعارهای واحد نیروی پراکنده کارگران را که هر کدام درجهای چوب کارخانه های منقرضه، صرف مبارزه برای مطالبات متقوی

میشود. حول خواسته‌های اصلی کل طبقه کارگر متمرکز کنیم و به حرکت درآوریم.

از سوی دیگر، علاوه بر تبلیغ مستمر و هر چه وسیع تر شعارهای سراسری، ایجاد ارتباط ادامه کار شکل میان کارگران کمونیست و مبارز و رهبران عملی جنبش کارگری اهمیت حیاتی دارد.

هم‌جهت کردن، هماهنگی وهم-زمانی مبارزات کارگران در بخش‌های مختلف، و طلب به موقع همبستگی و حمایت واحدهای مختلف از یکدیگر، بدون ایجاد ارتباط جدی میان کارگران پیشرو و مبارزی که سر رشته مبارزه در واحدهای مختلف را در دست دارند ممکن نیست. پیوستن این رفقا به حزب و تأمین ارتباط آنان از طریق شبکه سازمانی حزب کمونیست عالینترین شکل ایجاد دیپلوماسی مبارزاتی میان آنان است. اما نباید به این بسنده کنیم، به جز آنکه ارتباطات حزبی بخودی خود بی‌سکوی تمام نیازهای ارتباطی در جنبش کارگری نیست. کمونیست‌ها باید بطرق مختلف کارگران پیشرو را در ارتباط با یکدیگر قرار دهند. ارتباطات مخفی کارگران پیشرو امکان می‌دهد تا اعتراضات کارگری در کارخانه‌های مختلف پیش از پیش سرنگشته و سرنا به حساب ندهد و سنجیده متکی شود و هماهنگ و با هم‌زمانی و همسویی کافی انجام گیرد. اخبار دین مبارزات کارگری از

درون این شبکه مخفی پیشروان به سرعت در کارخانه‌های مختلف منتشر می‌شود و امکان عملی جلب همبستگی و پیروان شدن مبارزه از محدوده کارخانه‌های منفرد فراهم می‌گردد. ارتباط متقابل کارگران پیشرو باید از لحاظ تشکیلاتی تکامل و گسترش یابد. آشنایی در روابط متعارف اجتماعی تا تشکیل هسته‌ها و حوزه‌های مخفی و مرتبط بهم کارگری اشکالی است که این ارتباط می‌تواند بخود ببیند.

جمهوری اسلامی به تفرقه در صفوف کارگران امید بسته است. تفرقه در خواستها، تفرقه در شعارها و تفرقه در میان کارگران پیشرو و رهبران عملی مبارزه، هر گامی که فعالین حزب کمونیست در جهت از میان بردن این تفرقه بردارند، به هر درجه که بتوانند وحدت و هماهنگی در شعار و عمل بوجود آورند، جنبش کارگری یک گام به خروج از حالت تدافعی کنونی و اعتلا نزدیک تر می‌گردد. تبلیغ مستمر شعارهای برنامه حزب کمونیست، جلب بهترین و پیشروترین کارگران به صفوف حزب و ایجاد ارتباط عملی میان پیشروان و رهبران عملی جنبش کارگری، اینها آن اقدامات عاجلی است که در دستور ما قرار دارد.

بقیه از صفحه ۳۴

گزارش کنند. ضمناً در این گزارش لیست نامه‌هایی را که برای ما ارسال کرده‌اید بنویسید گزارش. دهی منظم و دقیق به حزب ویژه در مورد رفقای که میخواهند رابطه نزدیکی با حزب داشته باشند مکان تعیین کننده‌ای دارد.



همانطور که اشاره شد اینها وظایف عمومی هواداران است و ما ارتکاب آنها انتظار داریم که تمام یا بخشی از این وظایف را بعهده بگیرند. ارتباط دو جانبه ما امکان می‌دهد تا توجه به شرایط ویژه هر رفیق وظایف ویژه‌ای را نیز بعهده بگیرد. در پایان باید بر این نکته تاکید کنیم که ما خواستار همبستگی و کار جمعی هواداران هستیم. هواداران باید با سایر اعضا خانواده خود، با دوستان و آشنایان و همکارانشان محافل و حوزه‌های هوادار حزب ایجاد کنند و همین وظایف را با کیفیت عالیتر و شیوه‌ای ادامه کار انجام دهند. سپردن وظایف خاصتر و مهمتر به هواداران مستلزم حد معینی از متشکل بودن، منضبط بودن و اثبات قابلیت اتکا، به حزب است. ما قطعاً از اعلام آمادگی رفقای هوادار و حوزه‌های آنان در تقبل وظایف سنگین تر استقبال می‌کنیم و قول و قرارهای لازم را با آنها پس از برقراری ارتباط و از کانساله‌های خصوصی تر خواهیم گذاشت. خسرو داور



اعلامیه

پایان دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

کارگران انقلابی!

مبارزان کمونیست!

دومین نشست وسیع پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران روز ۲۸ آذرماه امسال با شرکت اعضا و علی البدل‌های کمیته مرکزی تشکیل شد.

مواد اصلی دستور جلسه پلنوم کمیته مرکزی عبارت بودند از: گزارش دفتر سیاسی، گزارش‌های ویژه از بخش‌های مختلف تشکیلات حزب و دورنمای کار حزب در دوره آتی.

گزارش دفتر سیاسی به نشست وسیع کمیته مرکزی شامل اقدامات انجام شده بوسیله دفتر سیاسی طی دو نشست کمیته مرکزی بود، برطبق این گزارش محاور اصلی کار دفتر سیاسی طی سه ماه اخیر سازماندهی ارگان‌های مرکزی و سراسری حزب و متکی کردن آنها بر سیاستها، سبک کار و نقشه‌های اصولی و روشن بمنظور تامین هدایت سراسری حزب کمونیست بوده است. در همین رابطه گزارش‌های ویژه‌ای راجع به آزادبوی حزب کمونیست ("صدای حزب کمونیست ایران")، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران ("کمونیست")، سازماندهی فعالیت مخفی در شهرها، فعالیت خارج از کشور در جهت تقویت تبلیغ وسیع و سراسری، ارتباطات و نظیر اینها به پلنوم عرضه شد. همچنین گزارشی عمومی از فعالیت‌ها و وضعیت سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) به پلنوم ارائه گردید، پلنوم گزارش‌های مختلف را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.

محاور اصلی مباحث پلنوم را مسائل مربوط به تحکیم ایدئولوژیک و تشکیلاتی حزب تشکیل میداد. پلنوم پس از بحث‌های عمیقی که بر سر این مسأله انجام داد، وظیفه مقدم ما را ساختن و تحکیم تشکیلات کمونیستی یعنی ابزار مبارزه برای تحقق برنامه و سیاست‌های کمونیستی اعلام کرد. چنین تشکیلات کمونیستی است که فاصله بین تئوری، برنامه و سیاست‌های کمونیستی را با پراتیک موجود پرمیکند. بنا بر این تبدیل تشکیلات به ابزار مناسب برای تحقق اهداف و سیاست‌های کمونیستی. و عبارت دیگر تشبیه اصول و شیوه‌های کمونیستی و پرورش و ارتقاء کارهای پیشرو و متعهد به اجرای این اصول و شیوه‌ها وظیفه حتمی و عاجل حزب و بسویژه رهبری آنرا تشکیل میدهد.

پلنوم بر روی ضرورت مبارزه پیگیرانه بر علیه روشها و سنت‌های خود بخودی غیر کمونیستی در تشکیلات حزب و متکی کردن فعالیت‌های تشکیلاتی بر نقشه‌های اصولی، روشن و قابل حسابرسی تاکید نمود و از همه صفوف حزب خواستار شده اصولی بودن و تکیه بر روی اصول ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی را بر مشق خود قرار دهند و بسویژه رهبری در رابطه با موارد نقض اصول از خود حساسیت بیش از پیش نشان دهد.

پلنوم در رابطه با تحکیم ایدئولوژیک و تشکیلاتی همچنین بر روی سازماندهی گزارش‌دهی حسابرسی چه بطور منظم و چه بشکل بازرسی‌های ویژه، بر روی پرورش کادر، تشکیل حوزه‌های حزبی و جلسات منظم تشکیلاتی، انتقاد و انتقاد داخود، افزایش ضریب امنیت و اجرای موازین پنهان‌کاری در تشکیلات تاکید نمود و ضرورت اتخاذ هر چه جدی‌تر اساسنامه را بمنظور تقویت و تحکیم انضباط و اصول تشکیلاتی و در عین بسط دمکراسی درون حزبی خاطر نشان کرد. همچنین پلنوم اهمیت ارتباطات و ضرورت سازماندهی هر چه سریعتر و محکمتر آنرا یادآوری نمود.

پلنوم ضمن تاکید مجدد بر سمت گیری اصلی حزب یعنی مبارزه برای تبدیل حزب ما به یک حزب توده ای کارگری، اعتقاد خود را به اینکه این امر برای یک دوره طولانی سمت گیری اصلی حزب ما محسوب میشود ابراز داشت.

پلنوم کمیته مرکزی در رابطه با وظایف تبلیغی بر روی شناساندن حزب به مثابه حزب پیشرو و طغنه کارگری و بعنوان رهبر دموکراسی انقلابی در ایران تاکید کرده و ضرورت نقد پرولتری مستمرا زاپوزیسیونهای بورژوازی را مجدداً یادآوری نمود.

پلنوم بر روی ضرورت مبارزه ایدئولوژیک بر علیه رویزیونیسم مدرن و نیروهای بومی مدافع و متغییل به آن تاکید ورزید. همچنین تصویب نمود که بمنظور بسط و تعمیق این مبارزه، نظرات مختلف رفقای حزبی درباره جنبه های گوناگون رویزیونیسم مدرن و پیرویه احیای سرمایه داری در شوروی، در چهار جنبه های زیر موضوع برنامه حزب کمونیست میتواند مطرح شده و در نشریات حزب منعکس شود. بویژه "سوی سوسیالیسم" میتواند این نظرات را در سطح جنبش منتشر نماید.

پلنوم بر ضرورت توسعه و تحکیم تماس و رابطه با جریانات کمونیستی، کارگری و انقلابی در جهان انگشت گذارده و تصویب نمود که به امر سازماندهی فعالیت حزب در خارج کشور توجه جدی تری مبذول شود.

پلنوم مجدداً اعضای دموکراسی و دبیرکل را در سمت خود ابقا کرده و ضرورت افزایش نقش دفتر سیاسی را در امر رهبری ایدئولوژیک و سیاسی حزب یادآوری نمود.

سرانجام پس از پنج روز کار فشرده پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران با قرار دادن وظایف سنگین و در عین حال حیاتی بر دوش حزب در کلیه سطوح آن در روز سوم دیماه به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۶۲/۱۰/۴



کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

ماها نه منتشر میشود

هیات تحریریه:

حمید تقواشی

متصور حکمت

شعب زکریا شی

حبیب فرزاد (ت. پ. پ. پ.)

رضا مقدم

رفقای هوادار:

- با حزب ارتباط برقرار کنید.
- به حزب کمک مالی برسانید.
- برای حزب حسرتگاری نکنید.
- حزب کمونیست را وسیعاً بشناسانید و نفوذ آنرا در میان مردم گسترش دهید.
- به فراخوانها و رهنمودهای عمومی نشریات و رادیوی حزب عمل کنید.
- فعالیت و عملکرد خود را منظمآ به حزب گزارش دهید.

با نشو و نما

و صدای حزب کمونیست ایران مکتوب کنید

اخبار، گزارشات و نظرات خود را از هر طریق که مناسب میدانید به نشانی های زیر برای ما بفرستید:

- آدرس سوئد

P.O. BOX 1409
75144 UPSALA 1
SWEDEN

- آدرس آلمان

POST FACH 501142
5000 KÖLN 50
W.GERMANY

- آدرس ایتالیا

SH. I
C.P. 1064
10100 TORINO
ITALY

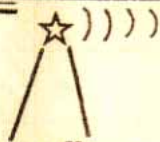
لازم است از نوشتن اطلاعاتی که میتواند باعث شناسایی افراد و اماکن آنها از طرف پلیس شود، در نامه ها و روی پاکت ها خودداری کنید همچنین بهتر است برای اطمینان بیشتر از رسیدن نامه ها بدست ما، از هر نامه حداقل دو نسخه بطور جداگانه ارسال دارید.



صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۴۹ متر و ۶۵ متر
ساعات پخش: شنبه تا شنبه: ۹ بعد از ظهر
جمعه ها: ۸ صبح و ۹ بعد از ظهر

طول موجها و ساعات پخش صدای حزب کمونیست ایران را به اطلاع همه برسانید



صدای انقلاب ایران

طول موجهای:

۴۹ متر و ۶۵ متر

ساعات پخش: بعد از ظهر: ۱۲:۴۵ تا ۱:۳۰ بزبان کردی
۱۰:۳۰ تا ۲ بزبان فارسی
عصر: ۴ تا ۴:۴۵ بزبان کردی
۴:۴۵ تا ۵:۱۵ بزبان فارسی

در صورت نداشتن ارتباط مستقیم با فعالین حزب، کمکهای مالی خود را میتوانید به حساب بانکی زیر در خارج کشور ارسال کنید:

Andeesheh (اندیشه)
C/A 23233257
National Westminster Bank
75 Shaftsbury Avenue
London W1V8AT
ENGLAND

زنده باد سوسیالیسم!